



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

۱۰۸

برای

# یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سرمدبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash\_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۸ جولای ۲۰۰۹ - ۱۷ تیر ۱۳۸۸

## ۱۸ تیر

### را به بزرگترین روز اعتراض جهانی علیه رژیم اسلامی تبدیل کنیم!



مصاحبه رادیو  
انترناسیونال با منصور  
حکمت درباره ۱۸ تیر

### جنبش توده ای برای سرنگونی رژیم آغاز میشود

توضیح؛ این گفتگوی رادیو انترناسیونال با منصور حکمت بنیال رویدادهای ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ صورت گرفت و در نشریه انترناسیونال شمار ۳۰ به تاریخ مرداد ۱۳۷۸ - اوت ۱۹۹۹ منتشر شد. انتشار مجدد این مصاحبه تلخیص شده را با توجه به رویدادهای اخیر ایران و متد برخورد به آن و همینطور دهمین سالروز ۱۸ تیر مناسب دانستیم. سردبیر.

انترناسیونال: شش روزی که رژیم اسلامی را لرزاند، توصیف گویائی برای رویدادهای اخیر است، که بطرز خیره کننده و بیسابقه‌ای نفرت عمومی علیه جمهوری اسلامی و آمادگی توده مردم برای برخاستن و رویارویی رادیکال با رژیم را روی صحنه خیابانها آورد، تأثیرات این خیزش بر رابطه آتی مردم و رژیم را چگونه ارزیابی میکنید؟

منصور حکمت: این رویدادها اثبات حقیقتی بود که ما برخلاف تصورات و تبلیغات اپوزیسیون و رسانه‌های خاتمی‌چی بر آن تأکید داشتیم و آن اینست که مردم ایران جمهوری اسلامی را نمیخواهند. خواست مردم نه تعدیل حکومت اسلامی، بلکه سرنگونی آن است. رأی دو سال قبل مردم در دوراهی ارتجاعی ناطق نوری یا خاتمی، سند ورود آنها در مقیاس وسیع به مبارزه فعال برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی بود. این رأی خاتمی نبود، رأی علیه رژیم، علیه اسلام و اسلامیت، علیه اختناق و سرکوب، علیه فرهنگ ارتجاعی تحمیلی، علیه فقر و نابرابری و بیحقوقی در ایران امروز بود. جمهوری اسلامی رفتنی است. این آغاز بالفعل موج مبارزات وسیع و

صفحه ۲



### حزب "حکمتیست" کجا ایستاد؟

گفتگو با علی جوادی  
(۲)

صفحه ۶



### کمیته های همبستگی در دفاع از "آزادی، برابری، رفاه" در ایران

صفحه ۹

گفتگو با آذر ماجدی



### زنده باد شوراها

نسرین رمضانعلی، سیاوش دانشور  
صفحه ۱۳



### به کیهان شریعتمداری حکومت منحوس تان رفتنی است

صفحه ۱۸

علی ظاهری

### منشور "آزادی، برابری و رفاه"

در صفحات دیگر؛ کارگران سایپا، کارگران ایتکو پرس، کارگران مهرکام پارس، تومار علیه جمهوری اسلامی، تظاهراتهای ۱۸ تیر در خارج کشور، و ...

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## جنبش توده ای برای سرنگونی رژیم آغاز میشود...

علنی‌ای در ایران است که یک نتیجه اجتناب‌ناپذیر آن سرنگونی رژیم اسلامی خواهد بود. با این رویدادها اردوی سرنگونی‌طلبی در ایران، که ابتدا یک اردوی یک دست و "همه با هم" نیست و نخواهد ماند، بعنوان یک جنبش علنی و مردمی اعلام موجودیت کرد. از این تاریخ، حکم قدیمی ما که جدال‌های جاری سیاسی در ایران نه دو طرف (خامنه‌ای-خاتمی)، بلکه سه طرف دارد، یک حقیقت غیر قابل انکار و پذیرفته شده محسوب میشود. جدال مردم علیه کل رژیم اسلامی، آن عاملی است که این جناحها را در جستجوی چاره بجان هم انداخته است. رویدادهای اخیر اعلام موجودیت مستقل و علنی یک جنبش مردمی برای سرنگونی بود. این بنظر من بر روش و رفتار جناحهای حکومت، احزاب سیاسی و خود مردم در ماههای آتی تأثیرات تعیین کننده‌ای خواهد داشت. جالب است که در این میان الفاظ و اصطلاحات رایج تا دیروز چگونه بسرعت کهنه شدند و تصاویر و شمایل‌های سیاسی میان میدان چگونه دگرگون شدند. خود حکومت از خطر "براندازی" و "ختم نظام" که گویا از بیخ گوش رژیم گذشته است صحبت میکند. عبارت جامعه مدنی جایی گم و گور شد، خاتمی برای معترضین رجزخوانی کرد و خامنه‌ای برای دانشجویان اشک ریخت. رسانه‌های غربی خاتمی‌چی و ژورنالیست‌هایی که گویی فروختن خاتمی به مردم ایران جزو تعریف شغلی‌شان بود، یکباره انقلاب را تیتز کردند. در ایران، مردم علنا به رژیم اسلامی اعلام جنگ دادند. حکم سرنگونی رسماً به رژیم ابلاغ شد. این به جنبش اعتراضی، و موج اعتراضات آتی، اعم از اعتصابی و تظاهراتی و خیابانی، یک هویت کاملاً متمایز از جناحهای حکومت میدهد.

**انترناسیونال:** در مورد احتمال موج برگشت راست چه فکر میکنید؟ تهدیدات خاتمی و خامنه‌ای، موج دستگیری‌ها و پرونده‌سازی‌هایی که یادآور بازجویی‌ها و شوهای تلویزیونی لاجوردی در سال ۶۰ است. نامه سران سپاه پاسداران به خاتمی و تبلیغات روزنامه‌های مدافع خامنه‌ای این سؤال را طرح کرده که آیا یک موج وسیع سرکوب، حتی به شکل یک کودتا، در راه است یا خیر، و اگر هست مردم چگونه با آن مواجه خواهند شد؟

**منصور حکمت:** این تصور که رژیم اسلامی میتواند از نو یک ۳۰ خرداد ۶۰ دیگر راه بیاندازد، اشتباه است. این دو دوره عمیقاً با هم فرق دارند. آن دوره شکل‌گیری جمهوری اسلامی، دوران پیدایش یک جناح مسلط در درون آن برای یکپارچه کردن حاکمیت و کوبیدن موج جدید اعتراضی در میان مردم بود. تناسب قوا میان رژیم و مخالفانش اساساً متفاوت بود. آن دوره، دوره تعرض و استقرار رژیم اسلامی بود. این دوره، دوره اضمحلال و عقب‌نشینی آن است. امروز برعکس، روند تشنت و فرسایش رژیم اسلامی را شاهدیم. رژیم در یک تکاپوی حاد برای بقاء است. جناح‌های دقیقاً بر این زمینه بجان هم افتاده‌اند. مردم، نسل جدیدی از مردم، علیه آن برخاسته‌اند. سیاست سرکوب در مقیاس وسیع در چنین شرایطی فوراً رژیم را از درون دچار فلج و تشنت میکند و یک تعرض فعال توده‌ای علیه حکومت را باعث میشود. طبعاً در کل روند سقوط حکومت اسلامی، در مقاطعی امکان رخ دادن کودتا و اعلام حکومت نظامی هست. اما این کودتا زمانی برای جناح کودتاگر موضوعیت و خاصیت پیدا میکند که جناح مقابل قبلاً عملاً از نظر سیاسی زانو زده باشد و حاضر باشد میدان را ترک کند و برای حفظ اساس حکومت اسلامی در

برابر کودتا تسلیم بشود. اما اگر برای مثال جناح دوم خرداد حاضر نباشد از میدان بیرون برود و اندک مقاومتی در برابر کودتا بکند، آنگاه کودتا به چاشنی خیزش توده‌ای مردم علیه کل رژیم تبدیل میشود. و اگر بنا باشد خاتمی‌چی‌ها کودتا کنند (که به همان اندازه قابل تصور است که حالت دیگر)، آنوقت دیگر جلوی قیام مستقل مردم را نمیتوانند بگیرند. در طول این روند، در مقطعی که تناسب قوا بیش از این علیه رژیم چرخیده باشد، کودتا و حکومت نظامی محتمل خواهد بود. اما همین امروز وقوع کودتا دور از ذهن است. ماجرای نامه سران سپاه پاسداران به خاتمی و پاسخهایی که از احزاب و روزنامه‌های دو خردادی گرفت خیلی جالب بود. ژستی توخالی بود و از جناح مقابل پاسخی تحقیرآمیز و شماتت‌گرانه گرفت. البته علیرغم همه مخاطراتی که راه انداختن یک موج سرکوب یا یک کودتا برای خود رژیم اسلامی ایجاد میکند ممکن است باز این عمل، با هر محاسباتی، صورت بگیرد. صحبت من اینست که چنین حرکتی خیلی زود در هم خواهد شکست. خصلت ذاتی حکومت نظامی و کودتا اینست که اگر شکست بخورد، دیگر رژیم رفته است.

اما این به این معنی نیست که جمهوری اسلامی در همین دوره به جنایات و اعمال کثیفی دست نخواهد زد. برعکس، در این شک نیست که یک توافق علنی میان جناحهای حکومت برای اعمال خشونت علیه گروهها و احزاب اپوزیسیون غیر مجاز و ناراضیان فعال در ایران وجود دارد. اسم این را ظاهراً توافق بر سر "گذار از تابستان مشکوک" گذاشته‌اند. میخواهند این دور را میان خود مساوی اعلام کنند، و توافق کرده‌اند که باید به این منظور از مردم و معترضین قربانی بگیرند و جامعه را ارباب کنند. ... اما نتیجه این زورآزمایی مشخص هرچه باشد، سرکوب وسیع و بخانه فرستادن مردم در حیطه امکانات

اینها نیست. مهمترین عامل در ناتوانی رژیم از میلیتاریزه کردن کامل اوضاع، وضعیت اقتصادی است. جان مردم به لیشان رسیده است. تورم بیداد میکند. ماههاست دستمزد بخشهای وسیعی از کارگران را نداده‌اند. و تازه آنجا که داده‌اند، با آن نرخ دستمزد امکان برخورداری از حداقل معاش، غیر ممکن است. مستقل از رویدادهای اخیر طبقه کارگر و زحمتکشان و حقوق‌بگیران جزء دارند می‌آیند تا تکلیف مسأله معاششان را روشن کنند. حکومت نظامی در چنین وضعیتی، فقط میتواند رژیم را با عصیانهای عظیم شهری، نافرمانی علنی و توده‌ای در بخشهای مختلف جامعه، ورود یکسره مردم به فاز نظامی و جنگ خیابانی علیه حکومت مواجه کند. نمیتوان میلیونها انسان را هم گرسنگی داد و هم برویشان شلیک کرد. همانطور که گفتم از این اوباش هر کاری برمیآید. اما تاکتیک کودتا و حکومت نظامی از پیش محکوم به شکست است. میخ دیگری به تابوت خود حکومت خواهد بود.

**انترناسیونال:** خاتمی و همه تشکلهای و نشریات موسوم به "جنبش دو خرداد" شامل جریانات دانشجویی وابسته به این جناح نظیر دفتر تحکیم وحدت و تشکلهای اسلامی دیگری که در دانشگاه فعالیت مجاز دارند، بسرعت حمایت اولیه‌شان از حرکت اعتراضی دانشجویان در قبال سرکوبگری نیروهای انتظامی را پس گرفتند و همصدا با خامنه‌ای و انصار حزب‌الله و ناطق نوری و جنتی و غیره خواهان سرکوب این خیزش رادیکال شدند، این موردی از "وحدت" جناحها در حالت بخطر افتادن "نظام" بود، در عین حال کشمکش جناحها بر سر نحوه مقابله با توفانی که رژیم را لرزاند و تحکیم موقعیت خود در جریان مقابله با این توفان همچنان ادامه دارد، چشم‌انداز کشمکش حاضر درون رژیم را چگونه میبینید؟

## جنبش توده ای برای سرنگونی رژیم آغاز میشود...

**منصور حکمت:** بنظر من اختلاف جناحها و صفبندی آنها در مقابل هم نه فقط سرچایش هست، بلکه با این رویدادها تشدید هم خواهد شد. هر قدر فشار مردم به کل این حاکمیت بیشتر بشود، و هر قدر نظامشان بطور کلی بیشتر از طرف مردم تحت فشار باشد، شکافهایشان عمیقتر خواهد شد. برخلاف بیشتر مفسران، من فکر نمیکنم برنده این دور، جناح خامنه‌ای و باصطلاح راست‌ها بودند. هر دو جناح سر موضع خود ایستاده‌اند. حمله هر دو جناح به مردمی که علیه کل رژیم برخاستند، نقطه توافق آنهاست و نه مبنای وحدتشان. اما اختلافاتشان با هم در این ماجرا به مراتب تشدید و تعمیق شد. اتفاقاً نکته‌ای که میتوان روی آن انگشت گذاشت، و بنظر من جناح راست به روشنی درک کرده و در لحن امروزش کاملاً پیداست، این است که جناح دوم خرداد در صحنه برخورد فیزیکی و عمل تهاجمی علیه جناح رقیب دست کمی از او ندارد و آماده ریسک کردن است. بنظر من این رویدادها در میان مدت دست دوم خردادی‌ها در درون حاکمیت را حتی قوی‌تر کرده است و به جناح خامنه‌ای فهمانده است که اولاً، تاخت و تاز انصار حزب‌الله و اعمال فشار خشک به خاتمی‌چی‌ها جوابگو نیست و حتی میتواند نتیجه عکس داشته باشد و ثانیاً، دقیقاً به دلیل وجود مردمی که در کمین کل رژیم نشسته‌اند، برای کُند کردن و مهار حرکت مردم به خاتمی و جناح دو خرداد احتیاج دارند. بنظر من الان هر دو طرف دارند تلفاتشان را می‌شمارند و دشنه‌هایشان را برای دور بعد تیز میکنند. اما در محاسبات هر دو طرف قدرت عظیم مردم خواهان سرنگونی از این پس جای بسیار مهمتری را اشغال خواهد کرد و این بر تاکتیک‌هایشان تأثیر میگذارد. در این شک نیست که هر دو طرف از این تکان خوردن مردم وحشت

زده شدند. اما چاره زیادی جز ادامه و حتی تشدید کشمکش درونی با هم را ندارند. موقعیت رژیم یک موقعیت لاعلاج است. سرکوب و ترور و زدن و بستن دیگر جلوی مردم را نمیگیرد و بیحاصلی‌اش را اثبات کرده است. در مواجهه با هیولای خیزش مردم و انقلاب، چنین سیاستی قبل از هرچیز خود حکومت را تجزیه میکند. سیاست سرکوب نمیتواند پرچم وحدت جناحها باشد. از طرف دیگر هر درجه گشایش سیاسی، هر روزنه‌ای برای ابراز مخالفت، بر شدت مبارزه مردم و اپوزیسیون غیر قانونی میافزاید. هر سازشی با مردم، به ناسازگاری بیشتر مردم با رژیم منجر میشود. الان دیگر شعارهای مردم را دیده‌اند. به این ترتیب پاسخ دوم خردادی‌ها هم حلال مشکلات رژیم و ضامن وحدت درونی و بقاء آن نمیتواند باشد. رژیمی که پاسخ اقتصادی ندارد، راه پس و پیش سیاسی ندارد، مورد نفرت مردم است، و اکنون دیگر مردم را در میدان مبارزه توده‌ای و علنی علیه خویش مییابد، قطعاً رفتنی است. جدال میان جناحها جبراً حدت میگیرد.

**انترناسیونال:** بعضی از شروع یک انقلاب سخن میگویند. آیا این یک انقلاب است. آیا انقلاب ۵۷ دارد تکرار میشود؟ چه تشابهاتی میان جنبش امروز و آن انقلاب می بینید؟ چه تصویر استراتژیکی از روند اوضاع دارید؟

**منصور حکمت:** آنچه الان در جریان است یک انقلاب نیست. میتواند شروع یک انقلاب باشد، و میتواند نباشد. بنظر من عدم تشابه میان اوضاع این دوران با انقلاب ۵۷ به مراتب بر تشابهات آنها میچربد. آنچه ما شاهدیم شروع جنبش توده‌ای مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی است. من تردیدی ندارم که این جنبش پیروز میشود. یعنی رژیم در ادامه جنبش جاری

برکنار میشود و جای خود را به چیز دیگری میدهد. اما بکار بردن مقوله انقلاب برای این جنبش این اشکال را دارد که تصاویر و معادلات انقلاب ۵۷ را در اذهان فعالین امروز زنده کند و لاجرم دینامیسم‌های متفاوت دوره کنونی را از چشم پوشیده بدارد. بنظر من ایران میتواند در آستانه یک انقلاب باشد، اما چه بسا این انقلاب تازه با سرنگونی رژیم اسلامی، یا لاقلاً با فلج کردن آن، به معنی واقعی کلمه شروع بشود. بعبارت دیگر من جنبش مردم برای سرنگونی راه، با همه خیزشها و قیامها و نبردهایی که در بر خواهد داشت، از انقلابی که میتواند از دل این جنبش عروج کند متمایز میکنم. جنبش سرنگونی‌طلبی میتواند پیروز شود بی آنکه لزوماً کل ماشین دولتی را هدف گرفته باشد و یا در هم کوبیده باشد، بی آنکه یک تک قیام پیروزمند علیه حاکمیت صورت گرفته باشد. رژیم اسلامی میتواند زیر فشار مردم تجزیه شود، متلاشی شود، جایگزین شود. میتواند در نتیجه یک قیام شهری در تهران سقوط کند. میتواند با یک کودتا از بین برود. اما رفتن رژیم اسلامی بنظر من به احتمال قویتر، نقطه‌ای در اوائل سیر انقلاب آتی خواهد بود و نه اواخر آن. انقلاب ایران یک انقلاب همگانی و یک جنبش "همه با هم" نخواهد بود. انقلاب ایران انقلابی کارگری خواهد بود با هدف اثباتی ایجاد یک حکومت کارگری، یک جمهوری سوسیالیستی. این انقلاب از دل جنبش جاری و به احتمال قوی با موفقیت جنبش جاری عروج میکند. نیروهایی که حکومت اسلامی را بزیر میکشند زیر بار یک رهبری واحد نخواهند رفت. این بار خامی و خوشباوری انقلاب ۵۷ را نخواهیم دید. جنبش سرنگونی‌طلب اینبار به مراتب تحزب یافته‌تر خواهد بود. احزاب و نیروهای سرنگونی‌طلب در عین تنش حاد با یکدیگر وارد این جدال میشوند. اینها آلترناتیو حکومتی واحدی را نمیدینند. همه نیروها سقوط رژیم اسلامی را به مثابه زده بشود.

به هر حال فاکتورهای زیادی در رویدادهای آتی دخیلند. آنچه من میخواهم تأکید کنم اینست که این مبارزه کُندتر، پیچیده‌تر و چندوجهی‌تر از مبارزه علیه رژیم سلطنت است. حتی با سرنگونی رژیم اسلامی همه نیروها، حتی بخشهایی از خود اسلاميون سرنگون شده،

## جنبش توده ای برای سرنگونی رژیم آغاز میشود...



12/02/87 17:09

### آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی  
جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را  
امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک  
گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>  
[www.m-hekmat.com/](http://www.m-hekmat.com/)

پیروزی و رهایی مردم در جدال تاریخساز  
کنونی در ایران قبل از هر چیز منوط به این  
است که اولاً، طبقه کارگر بعنوان یک نیروی  
مستقل و تحت پرچم سوسیالیستی خود پا به  
میدان مبارزه بر سر قدرت سیاسی بگذارد،  
ثانیاً جریانات اپوزیسیون راست و ملی -  
اسلامی را ایزوله و حاشیه ای کرده و ثالثاً،  
توده وسیع مردمی که علیه رژیم اسلامی  
بپاخاسته اند به سوسیالیسم و جمهوری  
سوسیالیستی بعنوان یک آلترناتیو سیاسی و  
اجتماعی واقعبینانه و قابل تحقق بنگرند.

تحقق این ملزومات و وظیفه حیاتی ما است.

کمونیسم، دفاع از مارکسیسم، دستیابی  
به برنامه، روشن کردن تاکتیک‌ها،  
یافتن انسانهای کمونیست و انقلابی و  
متحد کردن و متحد نگاهداشتنشان  
بعنوان کادرها و رهبران کمونیست  
یک جنبش و یک جامعه، جدال با  
گرایشات فکری و سیاسی ناسازگار با  
انسانیت و عدالت و آزادی، تمام  
دوندگی‌ها و خطر کردنها و کشته  
شدن‌ها و شکنجه کشیدنها و جنگیدن‌ها  
و جلسه گرفتن‌ها و جرّ و بحثها و دود  
سیگار خوردنهای ما برای این بوده  
که برای چنین دوره‌ای حزبی ساخته  
باشیم که بتواند در این جدال واقعی در  
جامعه نقش بازی کند. ما اینکار را  
کرده‌ایم. این حزب را ساخته‌ایم. بیست  
سال است داریم این سلاح را میسازیم  
و صیقل میدهیم تا بتوانیم چنین روزی  
با آن به جنگ برویم. برای ما الان  
دوران عمل است. دوران جذب نیرو  
است. دوران رشد است، دوران  
تبلیغات وسیع است. دوران  
سازمانگری است، دوران آمدن به  
جلوی صحنه سیاست و دخالتگری  
است. حزب ما برای چنین روزی از  
نظر فکری، برنامه‌ای، سیاسی،  
تشکیلاتی و حتی روحی آماده شده  
است. تحولات چند سال اخیر برای ما  
مقدمات انتقال از یک گروه فشار، از  
یک گرایش فکری و یک سنت  
نظری، به یک حزب تمام عیار  
سیاسی بوده است. به این عنوان ما  
آماده‌ایم.

بنظر من این دوره در ایران دوره  
تحزب خواهد بود. چه برای راست و  
چه برای چپ. "کمونیست منفرد"  
همسایه خوبی است، اما دخالت در  
سیاست به نفع انقلاب کارگری و  
کمونیسم، آنهم در جدالی که اکنون در  
ایران نضج میگیرد، نیاز به شکل  
دارد. نیاز به تشکیلی دارد که بدر این  
کار بخورد. در نتیجه بنظر من وقت  
آنست که همه همسایه‌های خوب ما به  
یک تشکیلات کمونیستی بپیوندند. به  
نیروی آنها احتیاج داریم. بعد از  
پیروزی و بعد از شکست دوباره  
فرصت کافی برای متفرق شدن هست.  
الان وقت حزبیت است. \*

برای ادامه جنگ قدرت و تعیین  
تکلیف نهایی نظام سیاسی و  
اقتصادی در ایران همچنان در  
صحنه میمانند. حزب کمونیست  
کارگری باید این پیچیدگی را در  
سیاست عملی و تاکتیکها و  
اولویتهای سازمانی خود دخیل  
کند. سرنگونی هدف ماست، اما  
پایان کار نیست. نبردهای تعیین  
کننده‌تری در راه خواهد بود. باید  
نیروی آن نبردها را از امروز  
متشکل کرد. این دوران برای ما  
نه فقط دوران مبارزه برای  
سرنگونی، بلکه دوران بسیج  
طبقه کارگر برای ایجاد یک  
صف مستقل و حزبی برای ادامه  
مبارزه تا برقراری حکومت  
کارگری و خلع ید از سرمایه در  
سیاست و اقتصاد است. راجع به  
معانی عملی این تعبیر از روند  
اوضاع میشود و باید خیلی بیشتر  
صحبت کرد.

**انترناسیونال:** آیا بنظر شما حزب  
کمونیست کارگری آماده ورود به  
این دوران و ایفای نقش هست؟

**منصور حکمت:** بنظر من اگر هم  
آماده نباشد، به هر حال آماده‌ترین  
است. این رویدادها دارند بر  
حقانیت نگرش ما به اوضاع و  
مسیری که طی کردیم تأکید  
میگذارند. ببینید ما سازمان  
سیاسی نساخته‌ایم که وجدانمان را  
راحت کنیم، فشاری به این و آن  
بیاوریم، و داور تاریخ و تماشاچی  
بازیگران اصلی آن باشیم. حزب  
ساخته‌ایم که در جدال بر سر  
سرنوشت انسانهای معاصر  
خودمان شرکت کنیم و پیروز  
بشویم. یک عده کمونیست  
کارگری هستیم، مساوات‌طلب و  
عدالت‌طلب و آزادیخواه هستیم و  
میخواهیم مساوات و عدالت و  
آزادی را به اجرا در بیاوریم. اگر  
الآن نوبت نقش بازی کردن ما  
نباشد، هیچوقت نیست. تمام تلاش  
سالیان سال جنبش ما برای  
شفافیت بخشیدن به تئوری

# ۱۸ تیر را به بزرگترین روز اعتراض جهانی علیه رژیم اسلامی تبدیل کنیم!

خارج از ایران تبدیل کرد.

شرط پیشروی و پیروزی، ادامه مبارزه سراسری علیه کلیت رژیم اسلامی است. با شعارهای "حکومت اسلامی نمیخواهیم" "حکومت ضد زن نمیخواهیم"، "حکومت فقر و استثمار نمیخواهیم"، "حکومت استبدادی نمیخواهیم"، "حکومت استبدادی نمیخواهیم" و با فریاد "آزادی، برابری، رفاه" حق مسلم ماست به میدان بیایید.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری طبقه کارگر و همه شما مردم آزادیخواه را در مبارزه برای سرنگونی رژیم و تحقق یک جامعه آزاد، برابر و مرفه و انسانی، برای ایجاد یک دنیای بهتر، به اتحاد حول پرچم رهاییبخش کمونیسم کارگری فرا میخواند.

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**

**مرگ بر سرمایه داری!**

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۴ تیر ۱۳۸۸ - ۵ ژوئیه ۲۰۰۹

رای "نه" به زن ستیزی بود. رای "نه" به فقر و فلاکت و محرومیت و فرهنگ ارتجاعی و مذهبی بود. مردم برای تعویض حکومت خامنه ای ها و احمدی نژادها با حکومت موسوی ها و گرفتن چماق اوباش بسیجی و انصار حزب الله و دانش به موسوی ها و نبوی ها و خاتمی ها و کروبی ها و سایر چاقو کشان و آدمکشان "خط امامی" و جنبش ارتجاعی اسلام سبز به میدان نیامده اند.

## مردم آزادیخواه

روزهای سرنوشت سازی در پیش است. رژیم اسلامی در محاصره است. میکوشد با توسل به شدیدترین شیوه ها و هر ظرفیت ضد انسانی و وحشیانه ای که در خود دارد خیزش شما را در هم بکوبد. شمشیر خونین اسلام را از رو بسته اند. اما این رجز خوانی ها ناشی از استیصال و زبونی شان است. میتوان و باید کارشان را تمام کرد. هفته های جاری هفته هایی تعیین کننده در سیر تحولات کنونی و جنبش سرنگونی است. میتوان ۱۸ تیر را به بزرگترین روز اعتراض سراسری علیه رژیم اسلامی در ایران و در

برایشان غیر ممکن است. ولایت فقیه و حکومت الهی دیگر نه ابزار ارباب بلکه مایه تحریک و انزجار بیشتر مردم است. جامعه وارد دوره ای از تحولات انقلابی و زیر و رو کننده شده است. این تحولات آغاز پایان حاکمیت سیاه اسلامی است. و این پروسه ای پر پیچ و خم است. نقطه عطفهای تاریخی و جدالهای تعیین کننده تری هنوز در راهند.

جریان اصلاح طلبی حکومتی، باند موسوی - خاتمی - رفسنجانی، میکوشند مردم در ابتدای راه متوقف کنند. میکوشند تلاشهای مردم سرنگونی طلب را به دعوی درون جناحهای رژیم اسلامی کانالیزه کرده و یک جمهوری اسلامی دیگر، جمهوری اسلامی سبز، را به مردم حقه کنند. اما مردم در نیمه راه خلاصی از سر سه دهه حاکمیت سیاه مذهبی، ضدیت با زن، آپارتاید جنسی، حجاب اسلامی، نابرابری سیاسی و اجتماعی، فقر و فلاکت گسترده و ضدیت با کارگر و نفس خوشی و شادی و یک زندگی انسانی متوقف نخواهند شد. بر خلاف تصور ژورنالیستهای کودن غربی رای مردم در مضحکه انتخابات اسلامی رای به موسوی و کروبی نبود. رای "نه" به حکومت اسلامی بود.

رژیم جمهوری اسلامی در سراسرایی سقوط است. مردم حکم به سرنگونی آن داده اند و اکنون در ابعاد میلیونی دست به کار بزیز کشیدن آن هستند. جامعه دارد رژیم اسلامی را دفع میکند. رویدادهای کنونی لحظات و دقایقی در سیر سرنگونی این رژیم است. بوی الرحمن رژیم بلند شده است. این جوهر تحولاتی است که در جامعه ایران در جریان است. همه در داخل و خارج چهره خشمگین زنان و مردان و جوانانی را دیده اند که عزم کرده اند تا کار رژیم اسلامی را، حال با هر اسلامی، تمام کنند. ایران دیگر برای رژیم اسلامی، برای هیچ جناح آن، قابل حکومت کردن نیست. رفتنی اند. همه شان رفتنی اند.

شکافهای درونی رژیم به شدت تشدید شده است. به جان یکدیگر افتاده اند. به روی یکدیگر و حتی خودی ترین خودی هایشان نیز تیغ میکشند. این مشخصه رژیمهای در حال احتضار است. دستگاه سرکوبشان وحشیانه به جان مردم افتاده است. اما دیگر همگان میدانند که نمیتوانند مردم را مرعوب و خانه نشین کنند. سرکوب مردم در ابعاد گسترده

## آدرس تماس با مسئولین حزب اتحاد کمونیسم کارگری

علی جوادی (دبیر کمیته مرکزی) Tel: +1 310 402 6567 [Ali\\_Javadi@yahoo.com](mailto:Ali_Javadi@yahoo.com)

هیات دایر دفتر سیاسی (علی جوادی، سیاوش دانشور، آذر ماجدی) [siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com) [AzarMajedi@yahoo.com](mailto:AzarMajedi@yahoo.com)

کمیته سازمانده (علی جوادی، نسرين رضمانعلی) [nasrin\\_ramzanali@yahoo.com](mailto:nasrin_ramzanali@yahoo.com)

مسئول خارج کشور (آذر ماجدی) [AzarMajedi@yahoo.com](mailto:AzarMajedi@yahoo.com)

مسئول سایت و آی تی حزب (مجید پستنجی) [x\\_magid@yahoo.com](mailto:x_magid@yahoo.com)

دبیرخانه (شراره نوری) [markazi.wupi@gmail.com](mailto:markazi.wupi@gmail.com)

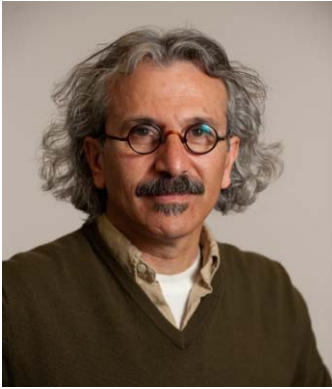
**به حزب اتحاد کمونیسم کارگری کمک کنید!**

Bank : Wells Fargo Bank – N. America Routing Number : 121 000 248 Account Number: 36 48 46 88 52

## حزب "حکمتیست" کجا ایستاد؟

گفتگو با علی جوادی

(۲)



کنترراها هستند صحبت میکند. به نقد سیاست عمیقاً پوپولیستی و ناسیونالیستی عبدالله مهندی می پردازد که خواهان دفاع حزبی کمونیستی از این "قیام" و "دولت برخاسته از قیام" است.

انتظارش آن است که کمونیستهایی که عمری پوپولیسم را نقد کرده اند، همه جانبه تر، عمیق تر، طبقاتی تر و کمونیستی تر به بررسی رویدادهای اجتماعی از این نوع بپردازند. نتیجتاً یکبار دیگر به بحث پوپولیسم می پردازد. تفاوت "قیام کارگری"، قیام به معنای خاص و قیام علی العموم را، به بحث میگذارد. چند فصل از جزوه ارزشمند "فقط دو گام به پس" را به بحث پیرامون "قیام مردمی" و "قیام به معنای خاص" اختصاص می دهد. "قیام مردمی" در آن بحث نام دیگری برای قیامی است که اگر چه "مردم" در آن در سطح وسیع شرکت داشتند اما در چهارچوب افق و سیاست و شرایط حاصل از جنگ آمریکا و نیازمندیهای سیاسی این ارتجاع جهانی ایجاد شده بود. به نقد کمونیستی "قیام علی العموم" که در نزد پوپولیستها به یک "فتیش" تبدیل شده است، می پردازد. سیاست ارتجاعی حمایت و تماس با "دولت برخاسته از این قیام" را نقد میکند. تاکید میکند که "قیام و خیزش مسلحانه در کردستان عراق کار طیفی از نیروهای اجتماعی و طبقاتی با منافع متفاوت و متضاد بود". حال به تفاوت شرایط ایران و عراق نگاه کنید. در ایران ده سال است که جنبشی با هدف سرنگونی رژیم اسلامی در جریان است. ده سال است که جریانات اصلاح طلب و دوم خردادی و حتی جریانات ناسیونالیسم پرو آمریکایی خواهان حذف و کنار زدن این جنبش از مرکز و ثقل سیاست در ایران هستند. بیش از ده سال است که این نیروها خواهان عقیم و اخته کردن این جنبش هستند. این جنبش یک رکن اصلی سیاست در ایران است. شکاف جناحها ناشی از چگونگی واکنش به این جنبش و مردمی است که خواهان بزیر کشیدن آن هستند. بر خلاف

تصور "حکمتیستها" این اعتراضات مردم است که جناحها را به جان یکدیگر انداخته است و نه بر عکس. شکاف و دعوای جناحی تنها شرایط را برای حضور گسترده تر مردم علیه کلیت نظام فراهم کرده است. در ایران، جریانات اصلاح طلب حکومتی همواره رو در روی مردم و خواهان عقیم کردن اعتراض آنها، خواهان محدود کردن این اعتراضات به چهارچوبهای نظام ارتجاع اسلامی و خواهان قانونی کردن این اعتراضات بوده اند. قیام بر علیه رژیم اسلامی آتشی است که به سوی آن دست دراز نکرده اند، آتشی است که کل خانه شان را شعله ور خواهد کرد. حتی اگر به چنین سیاستی متوسل شوند این سیاست نیز به ضد خودشان عمل خواهد کرد. به قول منصور حکمت: "اگر برای مثال جناح دوم خرداد حاضر نباشد از میدان بیرون برود و اندک مقاومتی در برابر کودتا بکند، آنگاه کودتا به چاشنی خیزش توده ای مردم علیه رژیم تبدیل میشود. و اگر بنا باشد خاتمی چی ها کودتا کنند، ... آوقت دیگر جلوی قیام مستقل مردم را نمیتوانند بگیرند. (منصور حکمت، جنبش توده ای برای سرنگونی رژیم آغاز میشود) و این عین اتفاقی است که افتاده است. مردم "سبز" نشده اند، از شکافهایشان برای خیزش علیه کلیه شان استفاده کرده اند.

اما سیاست منصور حکمت حتی در رویدادهای کردستان عراق بر خلاف تبلیغات وارونه "حکمتیستها" خانه نشینی نبود. یکی دانستن سیاست این جریان با سیاست منصور

صفحه ۷

حکومتی و منبعث از ناسازگاری و ناخوانایی اش با نفس زندگی در جامعه ای غیر اسلامی مانند ایران، بلکه بحران جناحی است، نتیجتاً به چنین مواضع توده ایستی و ارتجاعی در میغلطد. نتیجتاً مردم و خواستهایشان را از جدالهای موجود در جامعه حذف میکنند و مانند توده ایستها و اصلاح طلبان حکومتی جامعه و مردم را به صحنه جنگ دو اردوی ارتجاع اسلامی تقسیم میکند. اجازه دهید به چند مولفه در باره وقایع کردستان عراق در سال ۹۱ اشاره کنم تا جای هیچگونه شائبه و شبهه ای باقی نماند.

در کردستان در سال ۹۱ قیامی صورت گرفت که آمریکا و جریانات ناسیونالیست پرو آمریکایی و کنترایی یک مولفه اصلی و تعیین کننده آن تحولات بودند. به قول منصور حکمت: "زمان و شکل قیام، حکومت اجتناب ناپذیر حاصل از پیروزی قیام ...، سرعت پیروزی اولیه قیام، ترکیب اجتماعی و سیاسی و روانشناسی قیام کنندگان، سرعت و نفس شکست قیام، عواقب انسانی و سیاسی و موقعیت روحی حاصل از شکست قیام و نظایر اینها همه از سیاست آمریکا در منطقه و اوضاع ناشی از دخالت نظامی و تبلیغات آمریکا در عراق تأثیر پذیرفته است." و بلافاصله ادامه میدهد: "این سرسوزنی به حقانیت خواستهای کارگران و زحمتکشانی که در قیام شرکت کردند... خدشه وارد نمیکند." این فاکتور اصلی در تحولات کردستان عراق در آن دوره بود. فضای سیاسی و ضروریات قیام در چهارچوب تحرکات آمریکا و نیروهای محلی آن شکل گرفت. شرایط کنونی ایران در پایه با آن شرایط متفاوت است.

منصور حکمت در مورد قیامی که شرایط و نیروهای فرمان دهنده قیام و رهبری کننده اش آمریکا و

یک دنیای بهتر: نقدهای اخیر به سیاست حزب "حکمتیست" برخی از فعالین این حزب را به واکنش هیستریک و بعضاً حتی شانناژ غیر سیاسی واداشته است. اما مستقل از این اقدامات بخشی از رهبری این حزب تلاش کرده است که قالب جدیدی به مواضع شان بدهد. در این گفتگو اجازه دهید که به برخی از این استدلالها بپردازیم. میگویند تحولات اخیر ایران را باید با تحولات سال ۱۹۹۱ در کردستان عراق مقایسه کرد و نتیجه میگیرند که فراخوانشان به دعوت از کارگران و مردم به "خانه نشینی" عین سیاست منصور حکمت در قبال ناسیونالیسم کرد در آن تحولات است. ارزیابی شما چیست؟

علی جوادی: عمیقاً اشتباه میکنند. نه خیزش عظیم توده های مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی نعل به نعل با وقایع کردستان عراق در سال ۹۱ یکی است و نه منصور حکمت در آن رویدادها خواهان خانه نشین شدن کارگران و مردم آزادیخواه و صف کمونیسم کارگری بود. چنین اتهاماتی به سیاست عمیقاً کمونیستی و رادیکال منصور حکمت در قبال آن رویدادها نمی چسبد.

بعلاوه اتخاذ این مواضع هم ناشی از کج فهمی و یا عدم درک سیاسی رهبری این حزب نیست. برعکس این مواضع ناشی از جایگاه سیاسی و موضع توده ایستی است که اکنون در آن قرار گرفته اند. قبلاً اشاره کردم جریانی که معتقد است جنبش سرنگونی طلبی توده های مردم شکست خورده است، رژیم جمهوری اسلامی بمثابه نماینده بورژوازی عظمت طلب ایران در حال متعارف شدن است، بحرانهایش نه ناشی از بحران

## حزب "حکمتیست" کجا ایستاد؟

گفتگو با علی جوادی ...

حکمت یک دروغگویی آشکار است. اجازه دهید سیاست منصور حکمت را از زبان خودش بشنویم. میگوید: "با این مقدمات روشن است که پاسخ من به سوال پشتیبانی یا عدم پشتیبانی از قیام مسلحانه در کردستان عراق یک آری یا نه ساده نیست. من ابراز وجود مسلح کارگر کرد در این دوره را در ابعاد مشخصی درست و بجا میدانم، اما از قیام همگانی در ابعادی که بخود گرفت و از جنبش تصرف شهرها و مناطق نفت خیز پشتیبانی نمیکنم. بنظر من خیزشی در این ابعاد بدلیل هژمونی جنبش پیشمرگانه اپوزیسیون ملی و بر مبنای افق کسب قدرت در باد آمریکا بطور زودرس به کارگر و زحمتکش کرد تحمیل شد. بنظر من جنبش کارگری میتواند مسلح شود، از طریق درگیری‌های محدود و موضعی و اساسا با ایجاد یک صف مسلح و سازمان یافته کارگری وجود فضای آزادی سیاسی و قدرت عمل کارگری چه در برابر رژیم عراق و چه در برابر اپوزیسیون ملی، که دیر یا زود از سرکوه و از تهران و واشنگتن برمیگشت، را برای دوره‌ای طولانی تر تضمین کند. بنظر من جنبش مسلحانه تعرضی و معطوف به تصرف مناطق و آزاد سازی کردستان گریزی از این نداشت که اولاً، به امتداد سیاست دخالتگرانه آمریکا وابسته شود و با آن تداعی شود، ثانیاً، تحت هژمونی سیاسی و نظامی اپوزیسیون ملی قرار بگیرد و ثالثاً، به یک جنگ مرگ و زندگی زودرس با ارتش عراق کشیده شود که برای حفظ موجودیت خود ناگزیر تعرض میکند. این اتفاقی است که افتاد. بنظر من سطح رشد جنبش کارگری و سوسیالیستی در کردستان عراق (و مهمتر از آن در کل عراق)، از نظر سیاسی و درجه تشکل، مقدماتی تر از آن بود که این جنبش بتواند در شیپور

قیام مسلحانه نهایی بدمد. وظیفه اصلی تقویت این ابعاد جنبش طبقاتی کارگران در متن ضعف دولت مرکزی و زیر سایه قدرت دفاع مسلحانه جنبش کارگری از خود بود. ایجاد قدرت دوگانه در قبال رژیم و اپوزیسیون و بی‌اثر و بیخطر نگهداشتن نیروهای دولت مرکزی و بورژوازی خودی برای دوره‌ای هرچه طولانی‌تر، که در آن بتوان ارگانه‌های عمل مستقیم و اقتدار توده‌ای را رشد داد و تحکیم کرد، این بنظر من مبیایست محتوای سیاست نظامی مستقل جنبش کارگری در این دوره باشد." (فقط دو گام به پس)

حال این سیاست را با فراخوان رهبران حزب حکمتیست به کارگران برای خانه نشین کردن کارگران و مردم زحمتکش مقایسه کنید، این سیاست را با نظرات کورش مدرسی مینی بر مخالفت با طرح شعار سرنگونی در این خیزش توده‌ای مقایسه کنید، تفاوت ماهوی و اجتماعی است. منصور حکمت خواهان ایجاد قدرت دوگانه در آن شرایط بود. خواهان بسط و گسترش قدرت کارگر و کمونیست بود، خواهان تشکل یابی و قدرتمند شدن صف کارگر بود که بتواند ارگانه‌های اقتدار و حاکمیت خودش را شکل دهد. کجای این سیاست دعوت به خانه نشینی است؟ این دو سیاست متفاوت است. دو نگرش اجتماعی متفاوت است. یکی کمونیستی و کارگری است، دیگری توده ایستی و ارتجاعی است.

**یک دنیای بهتر:** بعضا میگویند که نمیتوان شیوه برخورد به این رویدادها را با شیوه برخورد منصور حکمت به رویدادهای ۱۸ تیر مقایسه کرد. چرا که آن جنبش اعتراضی خودجوش بود و فاقد رهبری اما اعتراضات اخیر تماما در چهارچوب سیاست و اهداف جناح اصلاح طلب حکومتی در جریان است. پاسخ شما چیست؟

**علی جوادی:** اینها بهانه‌ای برای توجیه برخوردی توده ایستی به تحولات حاضر است. اجازه دهید بیشتر توضیح دهم. تحولات ۱۸ تیر ۷۸ غرش رعد در آسمان بی ابر در ایران نبود. فراز دیگری از خواست و اعتراض مردم برای خلاصی از شر حکومت اسلامی بود. رویداد و اتفاقی بود که در دوران رفسنجانی با شورشهای شهری آغاز شده بود. در ادامه خود و در دوران دوم خرداد مردم توانستند شکافهای درونی رژیم را با حرکتشان تعمیق کنند و در ۱۸ تیر جنبش برای سرنگونی رژیم بطور علنی ابراز وجود کرد. ۱۸ تیر سرفصل اعلام وجود علنی این تحرک و خواست مردم بود. بیان اعتراضی و علنی توده‌ای خواست مردمی بود که از مدتها پیش در بطن و در ژرفای جامعه در جریان بود. در ۱۸ تیر ما شاهد فوران و جاری شدن آن بودیم. در ۱۸ تیر هم مردم به بهانه بستن نشریه سلام به خیابانها ریختند. کار از آنجا شروع شد. اما به سرعت تمایلات واقعی مردم در سرنگونی رژیم به نمایش گذاشته شد. ببینید اگر متد و روش کنونی حزب "حکمتیست" را در آن دوران بکار بگیریم، باید همان فراخوان خانه نشینی را تکرار میکردیم. این طور نیست که در ۱۸ تیر با این متد به همان نتایج میرسیدند که منصور حکمت رسید. به نظر من به آن نتایج میرسند که حزب توده و راه توده رسید. اعلام میکردند که اتخاذ سیاست رادیکال در این جنبش یک اقدام "ماجراجویانه" و "پوپولیستی" بود. یک نکته را هم اضافه کنم. سیاست این جریان ناشی از مخالفت اصولی و کمونیستی با "پوپولیسم" نیست. یک متد و روش توده ایستی است که در ادامه به میانی آن میپردازم. پوپولیسم همواره از دو زاویه مورد نقد قرار گرفته است. نقد کمونیستی کارگری و نقد راست و توده ایستی.

در رویدادهای ۱۸ تیر هم جریانات اصلاح طلب حکومتی فعال بودند. چه در مقام مقابله با صف اعتراضی مردم و چه در جریان کنترل و مهار کردن قدرت اعتراضی مردم. در آن رویدادها هم ما شاهد دو گرایش سیاسی و اجتماعی متفاوت بودیم. گرایش سرنگونی طلبانه و گرایش اصلاح طلبانه. در آن رویدادها گرایش سرنگونی طلبانه توانست سیاست خود را علنا اعلام کند. علنا به رژیم اسلامی اعلام جنگ کرد. علنا حکم سرنگونی رژیم اسلامی را صادر کردند. در تحولات حاضر مردم نه تنها در ادامه جنبشی که در ۱۸ تیر اعلام وجود کرد، به خیزش برخاستند، بلکه در ابعادی گسترده و میلیونی دست به کار پایین کشیدن رژیم اسلامی شدند. جنگیدند. هنوز هم در حال جنگند. همه میدانند که هدف این مردم سرنگونی کل رژیم اسلامی است. این جنبشی نیست که با سوت اصلاح طلبان حکومتی آغاز شده باشد. این جنبشی نیست که میر حسین موسوی یا حجابیان طراحی و مهندسی کرده باشند. مسلما این اوباش اسلامی تلاش میکنند که از این جنبش برای اهداف جناحی خود بهره گیرند، اما هدف و انگیزه و جوهر تلاش مردم در این چهارچوب نمی‌گنجد. مردم به سوت این جریانات سبز و ارتجاعی توقف نخواهند کرد. به سوت این جریانات هم شروع به اعتراض نکردند. سلب این مردم "نه" به حکومت اسلامی، "نه" به اسلام، "نه" به زن ستیزی و آپارتاید جنسی و "نه" به استبداد و بی حقوقی است. متأسفانه اما این واقعیت را حزب "حکمتیست" نمیتواند از جامعه و حرکت کنونی مردم آزادیخواه و برابری طلب بگیرد. جنبش سرنگونی یک جنبش قائم به ذات و داده شده در جامعه است. محصول "نه" مردم به رژیم اسلامی است. "توطئه سبزه‌ها نیست."

اجازه دهید نکته‌ای را هم در مورد مساله رهبری در این اعتراضات بگویم. مساله رهبری در این اعتراضات کماکان یک مساله باز است.

## حزب "حکمتیست" کجا ایستاد؟

گفتگو با علی جوادی ...

هر چند که این اعتراضات به چپ چرخیده است، اما کماکان مساله هژمونی سیاسی به نتیجه مطلوب خود نرسیده است. واقعیت این است که نفس این اعتراضات نه ناشی از تاسی به فراخوانهای حزبی و یا فراخوان احزاب سرنگونی طلب و کمونیست و آزادیخواه بلکه ناشی از ضدیت رژیم اسلامی با نفس زندگی و خواستها و تمایلات ابتدایی و ژنتیک جامعه است. ناشی از تناقض رژیم اسلامی با واقعیت زندگی و خواستهای اولیه جامعه و مردم در ایران است. منشاء بحران سیاسی در ایران نسلی است. سازمانی و فردی نیست. ناشی از وجود نسل جدید و جوانی است که بنا به تعریف نمی پذیرد که بدبخت تر، محروم تر، فقیرتر و عقب مانده تر از هم نسل خود باشد. دلیلی نمی بیند که مانند سایر جوانان در اروپا و آمریکا زندگی نکند. جوان نسل قرن بیست و یکم و اینترنت است. این مشخصات تبیین کننده حرکت کنونی توده های مردم و مشخصا جوانان است. آنچه در این روزها در ایران در جریان است جنگ نسل جوان با رژیم اسلامی است. ببینید مساله این نیست که احزاب سرنگونی طلب نمی خواهند و یا اینکه فراخوان داده اند حال مردم به میدان آمده اند. واقعیت مادی زندگی این نسل را به سرنگونی رژیم اسلامی به عنوان پیش شرط تحولات سیاسی در جامعه سوق داده است. نتیجتا مساله رهبری و هژمونی سیاسی کماکان مساله ای باز و مورد جدال است. در حال حاضر سه جریان اصلی جامعه در تلاش برای تاثیر گذاری و یا کسب رهبری این جنبش هستند. جریانات ملی اسلامی و اصلاح طلبان حکومتی میکوشند آن را از درون عقیم کنند. مهار و کنترل کنند. آن را در قالب جدالهای رژیم به بند بکشند. جریانات ناسیونالیست پرو غربی میکوشند این جنبش را زیر سلطه آراء و نفوذ سیاسی خود قرار دهند. آن

برخاستند. به نوعی هم درست تشخیص داده اند. در عین حال دارند خواست واقعی مردم را از تلاش و تقوای جریان اصلاح طلب حکومتی برای سوار شدن بر این اعتراضات جدا میکنند. و از این رو است که این جریانات را به عنوان "دشمن نظام" و "برانداز" دارند محاکمه میکنند.

ببینید سیستم نگرشی حزب "حکمتیست" دارای تناقضات خرد کننده ای است. این طرز تفکر بر این باور است که جنبش سرنگونی طلبی توده های مردم در ایران شکست خورده و از صحنه سیاست حذف شده است. اما به یکباره با یک خیزش توده ای مردم مواجه شده است، نتیجتا نمیداند چه بگوید. مشغول ساختن تئوری "مهندسی اجتماعی" از جانب "سبزها" و اصلاح طلبان حکومتی شدند. اگر مفروضات این سیستم فکری را بپذیریم باید قبول کنیم که مردم در ایران با یک حرکت دو هفته ای مرتجعین حکومتی و "سبزها" به خط شدند و در ابعاد میلیونی به حرکت در آمدند. عجیب است. گویا جنبشها و جریانات اجتماعی آنها در این ابعاد به یکباره خلق میشوند و به یکباره دست به یک مقابله جانانه با هارترین رژیم حاکم میزنند. اگر این سیستم فکری را بپذیریم باید تمام ادراکمان در مورد جنبشهای اجتماعی، تاریخچه و پیشینه و انگیزه ها و ضروریات مادی و سیاسی وجودی آنها را دور بریزیم. اگر بینش فکری این جریان را بپذیریم باید نگرش مادی به جامعه و تحولات آن را به کناری بگذاریم. ما سالها در مقابل جریانات اسلامی و ملی اسلامی بحث کردیم که جامعه ایران اسلامی نیست. برخلاف تزه های حزب "حکمتیست" جوانان و نسل جوان در ایران اسلامی نیستند. رو در روی اسلام و حکومت اسلامی هستند، حکم به سرنگونی آن داده اند. اما این جریان به یکباره دنده عقب گرفته است و اعلام کرده که مردم سیاهی لشکر "سبزها" شده اند. این یک تلاش لجوجانه برای قبولاندن تزهایی راست به

را به تحركات بالا و افق بورژوازی و ناسیونالیستی متکی کند. میکوشند به راه حل های کودتاگرانه و بند و بست های ارتجاعی و سوء استفاده از این تحركات به عنوان سکوی پرش خود استفاده کنند. اما در مقابل اردوی کمونیسم کارگری، که یک جنبش وسیع و گسترده است، تنها جریانی است که میسر آزادی و برابری و رفاه انسانها در جامعه است، میکوشد هژمونی سیاسی خود را بر این جنبش تامین کند. از نظر ما کمونیسم و طبقه کارگر تنها رهبر شایسته جنبش توده های مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی هستند. از این رو مساله رهبری و هژمونی سیاسی یک مساله کلیدی در این جنبش است. حلقه ای تعیین کننده در پیشروی و سرنگونی رژیم اسلامی است.

**یک دنیای بهتر:** این جریان میکوشد که اتخاذ مواضع راست و توده ایستی خود را در زوروق دفاع از "انقلاب کارگری" در مقابل انقلابات ارتجاعی و "انقلاب سبز" بیچد. چقدر چنین تعبیری از رویدادها و سیاست این حزب در قبال آن مجاز است؟ چقدر ضدیت آشکار با پیشبرد امر انقلاب کارگری است؟

**علی جوادی:** بنظرم این نقطه نظرات برخلاف بسته بندی هایش نشان یک ضدیت آشکار با مصالح عمومی انقلاب کارگری است. ببینید "انقلاب سبزی" در ایران در جریان نیست. جنبش و خیزشی برای سرنگونی رژیم اسلامی در جریان است. این تبیین رئیس دفتر سیاسی سپاه پاسداران و احمدی نژاد است که تحرک مردم را به "انقلاب مخملی" و "سبز" و یا "انقلاب نرم" تشبیه میکنند. هدفشان هم این است که تاکید کنند که خیزش توده های مردم تلاشی برای سرنگونی رژیم اسلامی است و از این رو سرسختانه به مقابله با آن

جامعه است. خریداری ندارد.

ببینید ما سازماندهندگان و فعالین یک انقلاب کارگری هستیم. اما قیام و انقلاب کارگری اقدامی در خلاء و در غیاب تحولات جامعه نیست. اقدامی در ادامه تاریخ تلاش کارگر و کمونیسم و در بستر تحولات جامعه است. ما در جامعه ای زندگی میکنم که بحث قدرت سیاسی به مساله اساسی جامعه تبدیل شده است. حزب "حکمتیست" آماده باشد یا نباشد، بخواهد یا نخواهد، جامعه میکوشد با مساله قدرت سیاسی حاکم تعیین تکلیف کند. مردم میکوشند رژیم اسلامی را بزیر بکشند. یک هدف اساسی ما قرار گرفتن در راس حرکت سرنگونی طلبانه توده های مردم است. ما میکوشیم در راس این تحرک جامعه قرار بگیریم. آن را رهبری و هدایت کنیم. نیروهای راست و اصلاح طلب حکومتی را که میکوشند آن را در جهت اهداف خود قرار دهند، خنثی و عقیم کنیم. اما در عین حال نگاهمان به مساله تحقق انقلاب کارگری است. این جنبش و خیزش برای سرنگونی را باید رهبری و هدایت کرد. ما میکوشیم این جنبش را هدایت کنیم. اما هدفمان انقلاب کارگری است. بهترین و مطلوبترین شرایط برای ما همزمانی و یکی شدن وقوع این دو تحول اجتماعی است.

**یک دنیای بهتر:** شما در گفتگوی قبلی به نگرش توده ایستی این جریان در قبال تحولات سیاسی حاضر اشاره کردید، این مساله را بیشتر توضیح دهید؟ چرا و چگونه این جریان به چنین مواضع دست راستی در غلطیده است؟

**علی جوادی:** ببیند دو نگرش اساسی و پایه ای از تحولات سیاسی ایران موجودند. یکی نگرشی است که کل نگرش و تلاش دوم خرداد و اصلاح طلبان حکومتی بر آن استوار است و در مقابل نگرش دیگری است که بحران حکومتی را یک بحران سیاسی و ناشی از نفس موجودیت رژیم اسلامی میدانند، معتقد است که تحولات



## حزب "حکمتیست" کجا ایستاد؟

گفتگو با علی جوادی ...

کنونی بخشهایی از روند دفع جمهوری اسلامی توسط جامعه است. این اردوی سرنگونی طلبی است و دیگری اردوی اصلاح طلبی است که جریانات اصلاح طلب حکومتی معمولا پرچمدار آن بوده اند.

نگرش اول بر این باور است که جمهوری اسلامی می‌رود تا "خودش را با زیست اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه سازگار کند و به یک دولت متعارف و یک جامعه مدنی در ایران شکل دهد و این تحولات پروسه تبدیل شدن جمهوری اسلامی به حکومت ایران به معنی نرمال و روئین و روزمره کلمه است. این تز دو خردادی‌ها است. تز حجابیان است. تز اکثریتی‌ها، توده‌ای‌ها و تز همه کسانی است که به یک معنی سرنگونی را رد میکنند. پتانسیل تحولات انقلابی را در ایران رد میکنند و میگویند باید بدون خشونت جلو رفت. "خشونت گریزی" یا اصلاح طلبی اسلامی یا غیر اسلامی همه در چارچوب این تز عمومی است که: بحث بر سر تغییر نظام نیست، اگر هم باشد انتهای پروسه‌ای است که در آن دولت متعارف دارد تشکیل میشود و جمهوری اسلامی خودش پرچمدار اصلاح خودش شده است و این روندی است که دارد اتفاق می‌افتد و از این طریق جمهوری اسلامی جایگاه خودش را در ایران پیدا میکند، در مناسبات بین المللی پیدا میکند، در اقتصاد جهانی پیدا میکند و غیره." (منصور حکمت، آیا پیروزی کمونیسم در ایران ممکن است؟) این کل نگرشی است که جریان اصلاح طلبی حکومتی بر آن استوار است. منصور حکمت تاکید میکند که این نگرش جریانی است که میخواهد سرنگونی را رد کند. کسانی که اگر مستقیما به رد سرنگونی طلبی نپردازند حداقل به رد طرح شعار

سرنگونی در خیزش توده های مردم می پردازند. تزه های جریان "حکمتیست" بعضا با تزه های پایه ای این جریان منطبق است .

شاید بگویند چگونه؟ ببینید حزب "حکمتیست" معتقد است که جمهوری اسلامی در حال متعارف شدن است. در حال تامین شرایط و ملزومات روبنای سیاسی سرمایه داری در ایران است. بحرانش بحران حکومتی و علاج نیست. احمدی نژاد نماینده ناسیونالیسم عظمت طلب ایران است. جنبشی برای سرنگونی رژیم اسلامی در جامعه وجود ندارد. این تزه های اخیر این حزب است. حتی بخاطر "عدم وجود جنبش سرنگونی" توده های مردم منشور سرنگونی خودشان را که طرحی برای سازش با جریانات راست و ناسیونالیسم پرو غربی و جریانات ملی اسلامی بود، به کناری گذاشتند. به هر حال منصور حکمت در این باره میگوید: "کسانی که میخواهند سرنگونی را رد کنند میروند روی این چارچوب که جمهوری اسلامی دارد به حکومت بورژوازی ایران تحول پیدا میکند. روبنای سیاسی و رژیم سیاسی ناظر بر توسعه کاپیتالیسم در ایران و مدل اقتصادی اش هم چنین و چنان خواهد شد. در نتیجه قطب اول بحران جمهوری اسلامی را بحران جناحی آن میدانند. معضل اش را معضل بخشی از حکومت میدانند... این قطب، حکومت جمهوری اسلامی را در بحران نمی‌بیند، راست را در بحران می‌بیند. راست را مایه بدبختی این حکومت میدانند و فکر میکند راست عقب بنشیند اوضاع روی غلطک می‌افتد." (منصور حکمت: همانجا) و این تزه ها عینا بخشهایی از تزه های است که کورش مدرسی و بعضا حزب حکمتیست در این شرایط جدید بر آن استوار شده است. اطلاق سیاست توده ایستی به این سیاستها و تزه ها توهین و یا اتهام نیست. بیان واقعیت و جوهر وجودی تزه های کنونی شان است. بی جهت نیست که کورش مدرسی به مقابله با طرح شعار سرنگونی در اعتراضات اخیر میپردازد. متأسفانه این حزب به مبانی ای در غلطیده است که در ادامه منطقی خود به یک سیستم منسجم توده ایستی منجر خواهد شود. همان مسیری است که سیستم فکری آذرین - مقدم طی کرده است. و این یک هشدار جدی به فعالین کمونیست این جریان است .

## منشور

### آزادی، برابری و رفاه

#### آزادی

۱- سکولاریسم: جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. آزادی مذهب و بی مذهبی.

۲- آزادی بیان: آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب.

۳- آزادی تمامی زندانیان سیاسی: لغو مقوله "جرم سیاسی"، لغو مجازات اعدام، ممنوعیت شکنجه و یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم و روان افراد.

۴- آزادی پوشش: آزادی بی قید و شرط انتخاب نوع پوشش.

۵- محاکمه تمامی آمرین و عاملین جنایت توسط دادگاههای منتخب و عادلانه مردم.

#### برابری

۶- برابری زن و مرد: برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو حجاب. لغو جدا سازیها و آپارتاید جنسی.

۷- برابری حقوقی: برابری کامل حقوقی همه شهروندان، صرف نظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.

#### رفاه

۸- حداقل دستمزد: تعیین حداقل دستمزد مکفی توسط نمایندگان تشکل های سراسری کارگری. در شرایط کنونی حداقل دستمزد باید یک میلیون تومان باشد.

۹- بیمه بیکاری: پرداخت بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد بیکار و آماده به کار. پرداخت بیمه بازنشستگی معادل حداقل دستمزد رسمی.

۱۰- طب و درمان رایگان و قابل دسترس، آموزش رایگان در تمامی سطوح، تامین مسکن مناسب برای همگان: هزینه مسکن نباید از ده درصد درآمد فرد یا خانواده بیشتر باشد.



## کمیته های همبستگی در دفاع از "آزادی، برابری، رفاه" در ایران

Solidarity Committee in defense of "freedom, equality & prosperity" for Iran

گفتگو با آنر ماجدی

درگیری شان با اوباش اسلامی این واقعیت را که ما سالیان است میکوشیدیم به دنیا بقبولانیم برای همه روشن کرد.

مردم جهان فقط به خاطر انسان دوستی به مبارزات مردم ایران خیره نشده اند. آنها خود در شکست جمهوری اسلامی و سرنگونی آن ذیفع اند. جمهوری اسلامی 30 سال یک ارتجاع خونین و تروریسم اسلامی را رهبری کرده است. مردم جهان این رژیم را یک دشمن مهم آزادی و انسانیت و ایمنی می شناسند. روشن است که بخش عمده جهان از سوی دیگر نگران تحریکات و تحرکات دولت آمریکا بودند و از حمله نظامی به ایران بسیار نگران. اکنون مردم ایران خود به خیابان ها آمده اند تا این رژیم را به زیر کشند. این موجب شادی بسیار است و احساس احترام را در دنیا نسبت به مردم ایران برانگیخته است.

**یک دنیای بهتر:** مبارزه علیه رژیم اسلامی مبارزه ای محدود به جغرافیای ایران نیست. امری جهانی است. منصور حکمت بارها و بارها تاکید کرده بود که خارج کشور پشت جبهه داخل کشور نیست، یک حوزه قائم به ذات فعالیت است. چه الگوهای تاکتونی در سطح جهان داشته ایم که میتواند در این زمینه راهگشا باشد؟

**آنر ماجدی:** این گفته منصور

ایران متمایل شد. و آنچه رفت که شاهد بودیم. یک وجه قابل توجه این حمایت بین المللی که بیانگر عمق توجه دنیا به اتفاقات در ایران است، نمایش همبستگی هنرمندان مشهور با مردم ایران است. جون بانز، بون جووی و یو 2 هر سه ترانه هایی را به این جنبش تقدیم کردند و یا به فارسی خواندند. چنین حرکت هایی هم خود بیانگر عمق تاثیر جنبش مردم ایران بر دنیا است و هم بنوبه خود بر گسترش و تعمیق این همبستگی تاثیر میگذارد. بهم پیوستگی جامعه بین المللی از طریق اینترنت و تکنولوژی نوین شرایطی را بوجود آورده است که علیرغم سانسور شدید در ایران، اخبار این همبستگی به مردم ایران میرسد و در مردم امید و افتخار میافریند. بنظر من اهمیت این همبستگی بین المللی بسیار زیاد است. اهمیتی که مردم در ایران به این مساله میدهند را میتوان از تلاش گسترده شان برای ارسال فیلم و خبر از اتفاقات و اعتراضات به خارج کشور دریافت.

اکنون بر همه روشن است که دنیا با هیجان و توجه بسیار وقایع در ایران را دنبال میکند. احساس همبستگی عمومی با مردم ایران بسیار بالا است. مردم در دنیا دارند متوجه میشوند که تبلیغات رسانه ها و آکادمیای باصطلاح ایران شناس چه تصویر نادرستی از مردم و جامعه ایران ارائه میداده است. این تصویر که جامعه ایران یک جامعه اسلامی است و مردم فقط یک رژیم اسلامی اصلاح شده میخواهند. این تصویر کاملا رنگ باخته است. طی دو هفته اعتراضات مردم و

**یک دنیای بهتر:** خیزش عظیم توده های مردم ایران توجه مردم آزادیخواه جهان و بشریت متمدن را به این اعتراضات جلب کرده است. نمونه ها بسیارند. این اعتراضات اکنون بعد جدید و جهانی پیدا کرده است. ابعاد این تحول سیاسی را شما چگونه می بینید؟ کلا نقش و جایگاه اعتراض مردم بپاخواسته ایران را در جهان چگونه می بینید؟

**آنر ماجدی:** ابعاد حمایت بین المللی از مبارزات مردم در هفته های اخیر کاملا یک پدیده غیرمنتظره بود. بنظر من کلا این چند هفته همه را غافلگیر کرد؛ هم رژیم اسلامی، هم جریان موسوم به اصلاح طلب و کاندید هایش برای ریاست جمهوری، هم خود مردم، اپوزیسیون، ایرانیان مقیم خارج کشور و مردم جهان را. هیچکس انتظار چنین خیزش عظیمی را نداشت. از حدود دو هفته پیش از انتخابات میشد فضای متفاوت را تشخیص داد. راهپیمایی های وسیع چند صد هزار نفری تحت نام کمپین موسوی و کروبی دیگر کاملا خصلت متفاوت این حرکت را برملا کرد. مسلم شد که مردم آماده یک خیزش عظیم هستند. روانشناسی عمومی مردم و جامعه یک تغییر اساسی کرده بود.

انعکاس این اخبار در خارج کشور سریعاً به راس اخبار بین المللی منتقل شد. توجه به سوی

حکمت در این چند هفته اخیر بخوبی به اثبات رسید. هم ایرانیان مقیم خارج طی این چند هفته انگیزه بسیار بالای خود برای سرنگونی رژیم اسلامی و نفرت عمیق خود از این رژیم را وسیعاً نشان دادند، هم مردم جهان در این خواست مردم ایران سهیم شدند. کاملاً میتوان دید که خارج کشور یک جبهه قائم به ذات مبارزه علیه رژیم اسلامی است. از این رو جمهوری اسلامی هم به سهم خود بسیار تلاش میکند که بر این جبهه تاثیر گذارد و مانع رشد رادیکالیسم آن شود.

در دهه 70 و 80 میلادی یک جنبش وسیع بین المللی علیه سیستم آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی شکل گرفت. همبستگی و حمایت بسیار وسیع و گسترده بود. نلسون ماندلا به سمبل آزادیخواهی و انسانیت در سطح جهان بدل شده بود. بخوبی بخاطر دارم که در 1976 زمانی که ارتش بر روی نوجوانان و کودکان در شهر سونتو رگبار گرفت، چگونه دنیا به درد آمد و موج همبستگی با جنبش علیه نژاد پرستی سرازیر شد. این جنبش روز به روز قدرت و وسعت بیشتری یافت. تازه در دهه 70 چنین پیوستگی ارتباطی میان مردم جهان وجود نداشت.

جنبش ضد آپارتاید نژادی بنظر من الگوی بسیار مناسبی برای فعالیت ما بدست میدهد. البته باید گفت که ما از برخی

## کمیته های همبستگی در دفاع از "آزادی، برابری، رفاه" در ایران...

نظرات از شرایط مناسب تری برخورداریم. جمهوری اسلامی در دنیا بسیار شناخته شده تر است. نیروهای اپوزیسیون در خارج کشور نقش موثری در انتقال اخبار و شرایط در ایران داشته اند. تکنولوژی ارتباطاتی بسیار رشد کرده است و دیگر برای انتقال اخبار مجبور نیستیم کاملاً بر رسانه ها اتکاء کنیم. اینترنت به مردم امکان میدهد که بخشی از این کار را خود مستقلاً بدست گیرند. بعلاوه جنبش اسلام سیاسی و ماهیت زن ستیز آن نفرت عمومی را در دنیا برانگیخته است. در مقابل جنبش آزادی زن در ایران یک جنبش وسیع و توده ای است. از تمام این شرایط میتوان و باید برای سازماندهی و بسیج یک جنبش بین المللی استفاده کرد.

**یک دنیای بهتر:** حزب طرح "کمیته های همبستگی در دفاع از آزادی، برابری، رفاه در ایران" را مطرح کرده است. مبنای سیاسی این طرح در خارج چیست؟ خاصیت و مزیت سیاسی چنین تلاشی در این شرایط کدام است؟

**آثر ماجدی:** ما تلاش میکنیم که مردم آزادیخواه جهان را فرا بخوانیم که چنین کمیته هایی را تشکیل دهند. این کمیته ها را میتوان در دانشگاه ها و همچنین در سطح شهرها تشکیل داد. توصیف این کمیته ها با شعار آزادی، برابری و رفاه به این کمیته های یک خصلت و هویت مترقی و آزادیخواهانه می بخشد و آن را از حالت گنگ، مبهم و بی هویت کنونی خارج میکند. بطور مثال اکنون مردم برای

نشان دادن حمایت خود رنگ سبز را برگزیده اند. درست است که مردم در ایران طی این مبارزات رنگ سبز را به سمبل مبارزات خود تبدیل کردند، باید در نظر گرفت که در ایران مردم تحت یک دیکتاتوری خشن زندگی میکنند و این مساله محدودیت هایی را بر مبارزه شان تحمیل میکند. اما در خارج کشور ما مجبور نیستیم و نباید این محدودیت ها را بپذیریم.

تصور عمومی در میان ایرانیان مقیم خارج و مردم دیگر اینست که یک راه نشان دادن همبستگی پذیرش سمبل هایی است که در ایران مردم به آن متوسل میشوند. این یک تصور نادرست است که توسط جریانات موسوم به اصلاح طلب، دو خردادی های سابق، یعنی همان اپوزیسیون پرو رژیم تحکیم و تشویق میشود. ما باید واقعیت را به مردم بگوییم. بعلاوه رنگ سبز در خارج یک معنا و مفهوم دیگر دارد، با جنبش سبز تداعی میشود. در ایران این سبز سمبل اسلام است و قرار است باصطلاح اسلام معتدل را نمایندگی کند. این را باید به مردم گفت. بدفهمی ها و عدم شناخت بسیاری وجود دارد و در این میان جریانات فرصت طلبی مثل توده ای - اکثریتی ها و اسلامیت های طرفدار جناح باصطلاح اصلاح طلب آن را تقویت میکنند.

خواست و شعار آزادی، برابری و رفاه کاملاً خصلت متفاوتی را به این جنبش همبستگی می بخشد. ضدیت کامل آن را با جمهوری اسلامی روشن میکند و مرز خود را با تمام این باصطلاح اصلاح طلبان میکشد. مساله اینجاست که این شعار عیناً خواست اکثریت

قربیب به اتفاق مردم ایران نیز هست. چنین پلاتفرمی به ارتقاء جنبش و تقویت گرایش آزادیخواهانه و برابری طلبانه در آن کمک میکند.

**یک دنیای بهتر:** طرح عمومی حزب برای ایجاد این کمیته ها چیست؟ حزب چه پیشنهادی برای پلاتفرم این کمیته ها دارد؟ چگونه باید دست به کار شد؟

**آثر ماجدی:** همانگونه که در پاسخ به سوال بالا اشاره کردم، حزب فراخوان تشکیل این کمیته ها را میدهد و میکوشد در ابتدا با همکاری تنگاتنگ با نیروهای نزدیک تعدادی از این کمیته ها را سازمان دهد و سپس بکوشد این پلاتفرم را با تبلیغ گسترده اشاعه دهد. ما باید طرح هایی که از طریق لابیسم دولتی قصد

دارند فعالیت باصطلاح همبستگی با مردم را به پیش ببرند افشاء کنیم. تلاش هایی برای ساختن تشکلاتی ویرچوال دارد انجام میگیرد که با جمع آوری تعدادی امضاء سازمان را اعلام میکنند و بعد از طریق لابیستی و تبلیغات صرف میکوشند این تشکیلات را در بوق کنند. باید ماهیت چنین تلاش هایی را نشان داد.

بطور مثال سازمان مجاهدین همیشه از این نوع کارها کرده اند. چنین فعالیت هایی ربطی به مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برای آزادی، برابری و رفاه ندارد. ما میکوشیم که بر سازماندهی از پایین تمرکز کنیم و بکوشیم که با فشار پایین روی بالایی ها کارمان را به پیش ببریم. این وجه از طرح بنظر من برای کمونیسم کارگری بسیار مهم و اساسی است.\*

- برای رد اعتبار نامه رژیم اسلامی در  
مجامع بین المللی،

- برای منجمد کردن حسابهای بانکی  
سران رژیم اسلامی،

- برای محاکمه سران رژیم اسلامی  
به جرم جنایت علیه مردم ایران

دادخواست زیر را امضا کنید!

[http://www.petitiononline.com/  
mk072009/petition.html](http://www.petitiononline.com/mk072009/petition.html)

## کارگران!

علیه سرمایه داری بپاخیزید!

## ایران خودرو؛ مهر کام پارس و ایتکو پرس!

### سایپا؛ طرح اخراج کارگران

سرمایه داران برای سرکوب وحشیانه اعتراضات مردمی صدها میلیارد تومان صرف حکومت نظامی اعلام نشده و مراسم او باش چرخانی برای ایجاد جو ارباب و وحشت و سانسور و سرکوب در میان مردم نموده است.

#### ایتکو پرس

در روزهای گذشته نیز کارگران ایتکو پرس اعتراضاتی برای نقد کردن بن های خوار و بار داشتند. بن های خوار و بار حدود 1500 نفر از کارگران سایت یک و دو ایتکو پرس مربوط به اسفند سال پیش و فروردین و اردیبهشت و خرداد امسال، که ماهی 30 هزار تومان است، تاکنون به کارگران پرداخت نشده و همچنان بلا تکلیف و پا در هوا مانده است. نیاکان مدیر ایتکو پرس در جواب کارگران معترض ظاهرا وعده پرداخت بن های مربوط به امسال را داده و گفته است بن های اسفند سال پیش فعلا بماند!؟ حضرات به روال همیشه قصد بالا کشیدن بخشی از طلبهای کارگران را دارند.

بنا به خبر دریافتی، بیش از 5000 نفر از کارگران شرکت مهر کام پارس ایران خودرو تاکنون موفق به دریافت دستمزدها و مبالغ اضافه کاری مربوط به خرداد ماه خود نشده اند. در دو هفته گذشته با وجود پی گیریهای مداوم کارگران برای نقد نمودن دستمزدهایشان، کارگران ناراضی و معترض از عوامل مزدور کارفرما و سرمایه داران چیزی جز تهدید و وعده های دروغ و امروز و فردا نشنیده اند. عوامل کارفرما و مسئولین بخشهای مختلف مهر کام در حالیکه همگی جیبهایشان پر از پولهای بادآورده از قبل کار کارگران است، در جواب اعتراض کارگران گرسنه میگویند: ما میدانیم، درک میکنیم، فشارها زیاده، ما مشکلات شما را به زرکش (مدیر مهر کام پارس) گفته ایم، چکار کنیم سایکو پولهای ما رو نمیده، ما به فکر شما هستیم، شما آگه همین کارتان را از دست دهید چکار میکنید؟ و مزخرفاتی از این دست!

یکی از کارگران شیفت شب میگفت: مادرم مریضه، چشمهاش نمی بینه، باید جراحی بشه، کرایه خانه ام پس افتاده و برای خرج و مخارج روزانه هم زن و بچه ام معطلند. از در و همسایه قرض می کنیم و هزار بد بختی دیگه داریم.

نپرداختن دستمزدها و انواع کارشکنی سرمایه داران و عواملشان در پرداخت حقوق ناچیز کارگران گرسنه و محروم در شرایطی صورت می گیرد که هر یک از عوامل و کاسه لیسان دزد باند زرکش ماهانه مبالغ چند میلیونی بدست آمده از کار و رنج کارگران را تحت عناوین؛ حقوق، پاداش، کارانه، ماموریت و غیره به جیب می زنند. از طرف دیگر در این روزها حکومت اسلامی

باز هم طرح اخراج کارگران سایپا یک! گران داده شد.

این روزها دوباره سایه وحشت بیکاری و زمزمه اخراج 500 نفر از کارگران سایپا یک اوج گرفته است. در سال پیش نیز طرحهایی برای اخراج و تعدیل کارگران وجود داشت که با نزدیک شدن زمان مضحکه انتخابات حکومت جانین اسلامی در خرداد امسال برای عوامفریبی و تحمیق کارگران مسئله تعدیل ها و اخراج کارگران را موقتا کنار گذاشتند. حتی به دستور بذر پاش که یکی از نزدیکان احمدی نژاد قاتل است بسرعت صدها نفر از کارگران شرکتهای پیمانکاری را از این شرکتها منفک نموده و خود سایپا با این کارگران قرارداد بست. ظاهرا وعدههایی نیز برای بهبود زندگی به کار

به دستور عموزاده مدیر سایپا با کارگران زیر دبیلیم قرارداد 5/1 ماه و با کارگران دبیلیم قراردادهای 5/2 ماه بسته اند. هم اکنون که بسیاری از کارگران در پایان قراردادهای سفید امضا، یک طرفه و کوتاه مدت خود هستند، از جانب عموزاده و باندهای دزد و سرکوبگر حاکم بر سایپا یک زمزمه های تعدیل و اخراج و بیکار سازی کارگران بگوش می رسد. این شمارش معکوس و نبود هرگونه امنیت شغلی زندگی کارگران محروم و زحمتکش و خانواده هایشان را در ابهامی رنج آور فرو برده است.

#### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۷ تیر ۱۳۸۸ - ۸ جولای ۲۰۰۹

## مجمع عمومی

ظرف اعتراض مستقیم و مستمر و توده ای کارگران است. کارگران در مبارزات جاری به سنت عمل مستقیم مجمع عمومی متکی شوید. جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

## یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید و وسیعا تکثیر و توزیع کنید!

## یک دنیای بهتر

برنامه طبقه کارگر برای آزادی جامعه است!

شرکت مهر کام پارس با بیش از 5000 نفر کارگر قراردادی سفید امضا و یک طرفه با پایه دستمزدهای 264 هزار تومانی در 3 شیفت فشرده و سنگین کاری از زیر مجموعه های اصلی ایران خودرو در زمینه تهیه و تولید انواع سپر و داشبرد و لوازم جانبی خودرو بوده و در جاده مخصوص کرج واقع است.

سایت یک و دو ایتکو پرس از مجموعه های مهم پرسی ایران خودرو با بیش از 1500 کارگر قراردادی سفید امضا و دستمزد های 264 هزار تومانی و شیفتهای سنگین و پر خطر کاری واقع در جاده مخصوص کرج و اتوبان کرج قزوین می باشند.



واقعی که به دست خود کارگران و مردم زحمتکش درست شود بعنوان ارگانهای اعمال اراده توده ای صحبت کردیم. اما امروز شرایطی ایجاد شده است که مردم می توانند تشکلهای واقعی خود را ایجاد کنند. شرایطی که مردم هر شب بر پشت بامها شعارهای مرگ بر دیکتاتور می دهند تنها یک معنی دارد و آن تقویت همبستگی و فضای اعتماد بخودی است که ایجاد شده است. مردم این را به خوبی تشخیص داده اند. فضای رعب و وحشت شکسته است. زمانی نه چندان دور، علیرغم اینکه اگر در صف نان و گوشت مردم می ایستادند به سران رژیم از ریز و درشت فوش می دادند، اما به کرات می شنیدید که اعتماد نیست. اما امروز و در ایندوره این فضای اعتماد بوجود آمده است. دیگر مردم نظراتشان را بیان می کنند و برای اتحاد و همبستگی بیشتر تلاش میکنند تا مثلا فردا شب محکمتر شعارهای مرگ بر دیکتاتور را تکرار کنند یا چگونگی تجمع شان را سازمان دهند. ببینید الان وضع طوری است که هر تحرک نیروی سرکوبگر فیلم و عکس می شود و سرعت روی نت میرود و یا عکسهای مزدوران را بر روی دیوارها می چسبانند. این موقعیتی است که شرایط سازماندهی در شوراها و تشکلهای محلات را فراهم کرده است.

اعتراضات و مبارزات مردم در ایران باید قدمهای بعدی برای پیش روی و مبارزه را از مرحله ای به مرحله دیگر بردارد. شوراها یکی از بهترین اشکال برای پیش برد و هدایت قدمهای بعدی و طی کردن این دوران و شناختن پتانسیلها و راههای پیشرو دخالت هر چه بیشتر مردم در سرنوشت خود است. مهمترین ابزار مردم ایجاد شوراهای در

صفحه ۱۴

# پیش به سوی ایجاد شوراها

## گفتگو با سیاوش دانشور و نسرين رمضانعلی



ابزار قانون گذراندن در محل کار و محل زندگی، ابزار تضمین امنیت و آزادی نسبی، و فردا ابزار قیام و در مقیاسی وسیع تر سازمان اداره جامعه بعد از پیروزی و خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقه حاکم است.

**نسرين رمضانعلی:** حزب اتحاد کمونیسم کارگری طی دوسال گذشته با تصویب قطعنامه و قرارها اولویت فعالیت خود را برای سازماندهی و رهبری یک انقلاب کارگری اعلام کرده است. ما تلاش کردیم شرایط و ملزومات فردای گرفتن قدرت سیاسی را ترسیم کنیم. تصویب قطعنامه اخیر حزب در همین راستا است. باید بر این تاکید داشت ما شاهد شرایطی کاملا متفاوت و متحول در جامعه ایران هستیم. رهبری حزب با تحلیل از اوضاع و ارزیابی واقعی از شرایط و ظرفیتهای سازماندهی توده ای و شناخت موانع و گرگهاها با صدور این قطعنامه بر ایجاد تشکلهای واقعی توده ای تاکید کرد.

بنظرم در هفته های اخیر مردم شاهد تجربه ای بی سابقه بوده اند. اینکه مردم چگونه می توانند متشکل شوند و چگونه در بدترین شرایط سرکوب و فضای رعب و وحشت می شود هدفمندتر این اعتراضات را تداوم و گسترش بخشند. مردم در خیابانها با قرارهایی که دهن به دهن میچرخد تلاش میکنند جاهای خالی را پر کنند و ابتکارات مختلف را بکار بندند. رادیکال شدن اعتراضات و توده ای تر شدن و تداوم و گسترش این اعتراضات در گروه سازماندهی و رهبری در تمامی عرصه ها می باشد. ما در مورد اهمیت و جایگاه شوراهای

**یک دنیای بهتر:** قطعنامه حزب بر ایجاد تشکلهای توده ای در محیط کار و در محیط زیست در سطح محلی و سراسری تاکید کرده است. اهمیت و جایگاه این ارگانها در شرایط کنونی و در تحولات سیاسی جامعه کدام است؟

**سیاوش دانشور:** ما جنبشی برای آزادی انسانها از هر نوع قید و بند و انقیاد سیاسی و اقتصادی و فرهنگی هستیم. مدل حکومتی که کمونیسم کارگری و جنبش طبقه ما بدست میدهد مبتنی بر اعمال اراده انسانهای آزاد است. مبارزه امروز ما با تمام محدودیتهایی که اختناق و فرهنگ و سیاست مسلط بورژوازی تحمیل میکند، مبارزه ای در این جهت است. تردیدی نیست الزامات مبارزه طبقاتی میتواند به ما شرایط متفاوتی مانند جنگ و غیره را تحمیل کند که بنظر در آن نمیتوان به نیروی توده مردم در شوراها متکی شد. اینها و بسیاری مسائل دیگر فرض بدیهی ماست. اما در هر شرایطی جنبش کمونیستی طبقه کارگر روی سازماندهی اعمال اراده مستقیم و مستمر و تا حد مقدر آزاد و برابر تاکید دارد. ما حتی در دوره جنگ و شرایطهای ویژه نمیتوانیم دست به روشها و نرمهای طبقات حاکم و جریانها ارتجاعی ببریم. محدودیتها هیچوقت اصول انقلابی ما را زیر سوال نمیرند بلکه کارکرد آنها را تغییر میدهند. برای ما شوراها سنتی قدیمی در متن جنبش رادیکال طبقه کارگر است و ارجاع به آن در دوره انقلابی بیش از هر زمان ضرورت و میرمیت دارد.

اوضاع امروز بطور خلاصه عبات از اینست که قدرت به خیابان منتقل شده است. طبقه حاکم و دولت مرتجع اسلامی در

مسیر غیر قابل برگشتی افتاده است. تمام سوال اینست که دخالت موثر طبقه ما و نیروی انقلابی چگونه و با چه ابزارهایی ممکن است. یک ابزار و ستون مهم این دخالتگری انقلابی شوراها و سازمانهای اعمال اراده توده ای است. ما در زمینه شوراها زیاد صحبت کردیم. اما شرایط امروز متفاوت است. امروز در وضعیتی هستیم که با ابزار شوراها وارد جدال برسر قدرت به معنی روزمره آن میشویم. در کارخانه و محل کار تا محیطهای آموزشی و اداری و محلات میتوان و باید شوراها را برپا کرد یا دستکم نطفه های آنرا به هر میزان و متناسب با هر تناسب قوا ایجاد و گسترش داد. هر نوع خلا قدرتی اگر بدست نیروی انقلابی و کمونیسم طبقه کارگر پر نشود توسط نیروهای کمپ ارتجاع پر خواهد شد. اهمیت این سیاست در ایندوره اینست که کارگر و مردم زحمتکش و انقلابی و خواهان تغییر راسا وارد عمل شوند. قدرت را به هر میزان تجربه کنند. در امور جاری و روزانه تا سازماندهی اعتراض و بیرون انداختن اوباش در هر محیط قدم بردارند. سنت رادیکال کارگری شوراها را بعنوان یک جنبش فراگیر شورائی گسترش و تحکیم کنند تا در حلقه بعدی بتوانیم نیروی غیر قابل حذفی باشیم و برای فتح تمام قدرت خیز برداریم. شوراها امروز ابزار اعمال اراده توده ای، ابزار سازماندهی مبارزه انقلابی، ابزار مقابله با نیروی سرکوب،

## پیش به سوی ایجاد شوراها ...

محل زندگی است. شوراها امر تصمیم گیری را بعهده بگیرند و در عین حال نه تنها خواستها بلکه حتی امنیت محل و مقابله با حضور نیروهای سرکوبگر را به محلات می توانند محدود و حتی منتهی کنند. همانطور که در روزهای گذشته شاهد بودیم خیابانها توسط نیروی مردم معترض مسدود شد. شاهد بودیم مردم چگونه در پس کوچه ها دهها نیروی تاندان مسلح را به محاصره خود در آوردند. این تنها یک بخش از قدرت قدرت جمعی مردم است. امر آموزش برای مقابله و رویارویی با مزدوارن می تواند از طریق همین شوراها در دستور قرار بگیرد. در عین حال باید تاکید کرد حراست و سازمانهای سرکوبگر در محلات بشدت ایزوله خواهند شد و قدرت تحرک و مقابله با مردم را نخواهند داشت. ما در مقابل سواالی قرار گرفتیم و مردم از ما پاسخ به شرایط امروز را می خواستند. اینکه چگونه مقابله کردن با مزدوران محلی و سراسری و مقابله با نیروهای سرکوبگر در اعتراضات چگونه باید باشد؟ در پاسخ به این ضرورت است که حزب این قطعنامه را تصویب کرد.

در دل چنین موقعیتی جنبش اعتراضی طبقه کارگر و مردم به ظرفیتهای مناسب تصمیم گیری و اعمال اراده مستقیم خود نیاز دارد. شوراها ابزار اینکار است. کارگران و مردم زحمتکش میتوانند و باید در این ظرفیت متشکل شوند و در عین حال تصمیمات مبنی بر بهبود نه تنها شرایط زیستی و کاری را قابل تحمل کنند بلکه در این فرصت و فرصتهای پیش آمده بتوانند با اتکا به قدرت خود مبارزات جاری را سازماندهی کنند. اگر چه تاکنون رسماً شوراها اعلام نشدند، اگر چه علنی جمعها در محلات جمع نشدند، اما در روزهای گذشته

عملکرد تشکلات توده ای را باید بیشتر توضیح داد. چه عملکردها و مختصاتای مد نظر است؟

**سیاوش دانشور:** مسئله بسیار ساده است و تجارب مبارزه سیاسی و اجتماعی کارگران و توده مردم بفریبت ارگانهای اعمال اراده توده ای را الزامی میکند. در ایندوران انواع تشکلهای و محافل و هسته ها و جریانات مثل قارچ از زمین میرویند. نیاز باعث میشود تشکل گریزترین افراد به نوعی تشکل و اتحاد بر اساس منافع واقعی و مادی خود رو بیآورند. راست جامعه در کلیت خود تلاش دارد از نیروی کارگران و مردم بعنوان پلکان ترقی خود استفاده کند و لذا نه فقط کاری به اعمال اراده توده ای ندارد چه بسا آنرا مضر و "خطرناک" میداند. جوانان، زنان، کارگران و هر کسی که این وضعیت را نمیخواهد نیازمند نوعی تشکل موثر و کارا و فراگیر است. یک خصوصیت ایندوران اینست که الیتسیم سیاسی جایش را به سیاست توده ای میدهد. یعنی توده مردم و توده طبقه کارگر سیاسی میشوند و در سیاست به معنی وسیع کلمه دخالت میکنند. برای پیشبرد مبارزه امروز تشکل نیاز فوری است. از حزب سیاسی تا تشکل توده ای به مهمترین ابزار در ایندوران تبدیل میشود. شورا بعنوان تشکل یعنی ظرفی که کارگران هر کارخانه، مردم هر محله، جوانان هر منطقه، پرستاران و کارکنان هر بیمارستان. معلمان هر مدرسه، و هر بخش مردم مطابق با نیاز و الزامات مبارزه علیه جمهوری اسلامی میتوانند خود را در آن متشکل کنند.

مثلا ایجاد و اعلام شورای کارخانه بلافاصله قدرت جمعی طبقه کارگر را بمیدان میکشد و بلافاصله وارد جدال برسر تعیین قدرت و اختیارات و کنترل و نحوه سازماندهی کار و غیره میشود. اینها موضوعاتی است که کارگر بدون شورا نمیتواند پیش برد. کارگر برای تحمیل

شاهد بودیم در محلات زیادی جوانان به همراه پدران و مادران خود جمع شدند، صحبت کردند و تصمیم گرفتند که در محلات تدابیر امنیتی و مبارزاتی را چگونه باید پیش برد.

فکر می کنم مسئله مهمتر کشیدن مبارزات به کوچه ها و محل زندگی بود. خیابانها اساسا حکومت نظامی اعلام نشده بود. اما کوچه ها در دست جوانان و مردم بود. شرایطی ایجاد شده که نسل امروز را که به خیابان آمدند ناچار شدند بازخوانی کنند و جوانب فعالیتها و اعتراضات و مقابله با نیروهای سرکوبگر را با هم مقایسه کنند. تا با تجارب و شکردهای تازه به جنگ این رژیم بروند. ایجاد تشکلهای مستقل در محیط کار و زیست و ایجاد شوراهای محلات و دانشگاهها و مدارس برای به کرسی نشاندن خواستهای برحقان مهم است. یک واقعیت را باید در نظر داشت. مردم بلاخره هر چند انقلابی هم باشند باید کار کنند و امورات زندگی را بگذرانند. بنابراین مهم است ایجاد شوراها نه تنها امر سازماندهی و تصمیم گیری را بعهده خواهد داشت بلکه گامهای بعد را نیز برنامه ریزی خواهد کرد. طی یک ماه گذشته صدها خواست و شعار طرح شد. رسیدن به این خواستها تنها از کنال اراده مردم پیش می رود. و نکته مهمتر این است که رژیم اسلامی ترس و نگرانی از جمع شدن انسانها دور هم هست. پاسخ امروز مردم متشکل شدن در شوراها و تشکلهای واقعی است که حزب ما به درست و به موقع بر آن تاکید گذاشته است.

**یک دنیای بهتر:** در قطعنامه از شوراها در ظرفیتهای متفاوتی صحبت شده است: ارگان مبارزه و تشکل و ارگان کنترل و اعمال اراده توده ای. این جنبه از کار و

خواستهایش به سرمایه داران و دولت مرتجع شان نیازمند شورا است. کارگر برای تامین صف مستقلش و تامین حضور سیاسی اش بعنوان یک طبقه در جدال قدرت از جمله نیازمند شورا است. از گرفتن حقوق تا اعمال کنترل کارگری و اعمال قدرت در ابعاد مختلف شوراها یک سلاح مهم طبقه کارگر است. چه در کارخانه و چه در محل زندگی شورا ابزار اساسی مبارزه انقلابی و اعمال اراده توده ای است. تجمع عمومی کارگران در محل کار و محیط زندگی و سازماندهی هر آنچه که در هر مقطع این اوضاع ملتهدب الزامی است کار شوراها است. کارگران و مردم زحمتکش برای تامین هر نیازشان راهی بجز اتکا به قدرت وسیع خود ندارند و این قدرت وسیع تنها در شوراها تبلور پیدا میکند. شوراها هم تشکل هستند، هم ابزار سازماندهی اعمال اراده جمعی و توده ای هستند و هم ابزار ممانعت از بازگشت ارتجاع و اختناق سیاسی. شوراها ارگانهای هستند که خلا قدرت را به هر میزان پر میکنند و امکان سازماندهی ابتکارات وسیع توده ای را در تقابل با هر معضلی که جامعه با آن روبرو میشود تامین میکنند. مثلا فرض کنید که تامین حضور نمایندگان مستقیم مردم، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن و عزل کردن آنها در جامعه ای که "حق انتخاب" اساسا و قانونا و شرعا وجود ندارد، اعمال کنترل بر محیط کار و زندگی و مقابله با تعدیهای سرمایه داران و اوباش سیاسی و نظامی، نظارت بر تقسیم و رساندن نیازهای مردم در شرایط بحرانی، اعمال قدرت دوفاکتور تا ایجاد قدرت دوگانه، محافظت از محل کار و زندگی با اتکا به نیروی توده ای و در صورت نیاز نیروی مسلح، بیرون راندن اوباش و آزاد کردن محل و منطقه و اعمال قوانین آزاد و انسانی و صدها مورد دیگر موضوعاتی هستند که توسط شوراها و نیروی توده ای میتواند اعمال شود. شورا ظرف سازماندهی مبارزه توده ای و شکفتن انواع ابتکارات است. شورا ارگان طرح قدرتی نوین توسط طبقه و نیروی انقلابی در مقابل قدرت

## پیش به سوی ایجاد شوراها ...

کهنه طبقه و نیروی ارتجاعی است.

**یک دنیای بهتر:** برای تشکیل شوراهای محیط کار چه باید کرد؟ حلقه های گرهی کنونی در این راستا کدام است؟ موانع کدام اند؟

**نسرین رمضانعلی:** ببینید یکی از موانع بزرگ در مقابل تشکل یابی طبقه کارگر در محیط کارشان فضای سرکوب است. اوضاع سیاسی اقتصادی و این بن بست لاعلاج رژیم اسلامی تنها با سرکوب سرپا مانده است و شگردی که بکار می گیرد زندگی و حیات میلیونها کارگر را به مخاطره جدی می اندازد. مسئله دستمزدهای پایین و ناچیز، مسئله نداشتن امنیت شغلی، نداشتن بیمه های اجتماعی، نداشتن هیچ گونه امکانات رفاهی در محل کار مسائلی هستند هر روز کارگران با آن روبرو هستند. بگذارید برای روشن شدن یک مثال بیاورم؛ کارگران گونی بافی سما در سندانج اعتراض کردند به عدم پرداخت 3 ماه حقوقشان. کارفرما و مدیریت گفتند ما بیمه شما را نمی دهیم، حقوق شما را بشرطی می دهیم که خودتان بیمه را پرداخت کنید. کارگران قبول کردند. دو روز بعدش فیش حقوقی کارگران را می دهند. اولاً بجای 15 هزار تومان 50 هزار تومان از حقوق 221 هزار تومانی کم شده است. دوما فیش داده شده اما پول به حساب کارگران تا همین امروز واریز نشده است. دیروز کارگران در مقابل دفتر مدیریت تجمع می کنند و خواهان حقوقهای معوقه می شوند. کارفرما اعلام می کند اولاً به نیروی کار شما نیازی نیست بروید خونه هایتان بعد هم نیروی کار زیادی موجود است که با خیلی کمتر از این حاضر بکار هستند. ادامه اعتراض و حمله

شرایط کار و زندگی صحبت کردند. امروز موقعیتی است که میتوان این سد را شکست و ایجاد شوراها در چند مرکز مهم کارگری موضوع را عوض میکنند.

**یک دنیای بهتر:** جامعه شاهد ایجاد شوراهای محیط کار بوده است. در دوران انقلاب ۵۷ ما شاهد شکل گیری شوراهای کارگری در مناطق مختلف بودیم. اما شوراها در محیط زیست کمتر شناخته شده است، شاید "بنکه" ها به نوعی به این ارگانهای محلی نزدیک شدند. برای شکل گیری این ارگانها چه باید کرد؟

**نسرین رمضانعلی:** تا آنجا که حافظه ام به من اجازه می دهد اتفاقاً شوراهای محلات و مدارس و شهرها و روستاها در همان جایگاهی قدرت در انقلاب 57 ایجاد شد. اما با سرکار آمدن رژیم اسلامی یک پیشوند اسلامی به آن داده شد. در واقع با خلع سلاح کردن مردم قدرت را از مردم گرفتند. و این تجربه ای است که نسل امروز باید هوشیار باشد.

و اما بنکه ها بیشتر نوعی از تشکل یابی جوانان و مردم بود. بنکه ها نه تنها امر کارهای آگاهگرانه را بعهده گرفته بودند بلکه کنترل محلات نیز در دست مردم بود. اینها همه تجاربی است که باید امروز با ارتقا آن و تطبیق آن با شرایط کنونی بکار بست. در جریان اعتراضات اخیر در تهران خیلی از کوچه ها و محلات توسط مردم کنترل می شود. نیروهای انتظامی کمتر جرات داشتند بخصوص در شبها حضور داشته باشند. هم اکنون هم نه تنها شبها بلکه در طول روز نیروهای سرکوبگر جرات رفتن به محلاتی را ندارند. در واقع حکومت نظامی اعلام نشده ای در تهران حاکم است اما در این محلات اعلام نشده کنترل در دست بخصوص جوانان است که جای تحسین دارد. اما این کافی

نیست. باید ارتقا داد و بیشتر از تجربیات این محلات گفت و الگوها و تجارب را انتقال داد. من فکر می کنم تداوم این اعتراضات ضرورت کنترل محلات را بیش از پیش برای جوانان معلوم خواهد کرد. در محلاتی که رژیم کنترلی بر آن ندارد هزار میشود صورت داد.

**یک دنیای بهتر:** سیاست کنترل کارگری به عنوان یکی از حوزه های عملکرده شوراهای کارگری مطرح شده است. چند ماه پیش زمانیکه این سیاست از جانب حزب مطرح شد، مورد نقد احزاب به اصطلاح کمونیسم کارگری و استقبال بسیاری از رهبران رادیکال سوسیالیست کارگری قرار گرفت. امروز در این زمینه چه میتوان گفت؟ حق با که بود؟ تاکیدات امروزی شما چیست؟

**سیاوش دانشور:** بسیار مباحث را شرایط سیاسی و زمان پاسخ میدهد. بحث مهم کنترل کارگری هم یکی از آنهاست. آنهایی که "هنر" شان اینست که بگویند "نمیشه" و "وقتش نیست" امروز هم چنین سیاستی را توصیه نمیکنند. اما معلوم شد که اوضاع را خوانده بودند و هنوز هم نخوانده اند یا وارونه خوانده اند. این یک سیاست کمونیستی و پیشرو بود که امروز طبقه کارگر روی آن بدرجه زیادی روشن است و نتایج خود را از آن گرفته است. به نظر من امروز دوره ای است که بسرعت به سمت ایجاد شوراهای کارگری میرویم و اولین اقدامات کارگران بویژه در متن فقر و فلاکتی که ارتجاع اسلامی سرمایه داری تحمیل کرده است راه افتادن یک جنبش وسیع کنترل کارگری است.

کنترل کارگری و شوراها برای ما دو رکن یک سیاست واحد هستند. ما روی سنت رادیکال عمل مستقیم کارگری انگشت گذاشتیم که تاریخی طولانی در جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر دارد. اگر بحثی باشد، بحث شرایط و ملزومات اعمال

## پیش به سوی ایجاد شوراها ...

چنین سیاستی است. هر کسی چند ماه پیش فکر میکرد کارگران شکست خوردند، مردم زانوی غم بغل گرفتند، یا در مقابل ناسیونالیسم و احمدی نژاد تسلیم شدند و غیره، امروز باید برود و یک خانه تکانی درست و حسابی سیاسی با خودش بکند. امروز تکرار این حرفها تنها باعث بی اعتباری مطلق گوینده اش میشود. ما به استقبال تغییر اوضاع در جهان و ایران رفته بودیم و سیاستهایمان عمیقاً با این اوضاع جدید خوانائی دارد. امروز نه فقط در ایران بلکه در فرانسه و یونان و ایتالیا و حتی روسیه تحت حاکمیت مافیا و کلیسا و عظمت طلبی، کنترل کارگری طرفدار دارد و اعمال میشود. در ایران وارد دوره ای شدیم که این سیاست وسیعاً بدست گرفته خواهد شد. کارگران راهی جز این ندارند که سرمایه داران را با اتکا به قدرت توده ای شان عقب برانند و برپائی شوراها و کنترل کارگری یک حلقه مهم خیز برداشتن طبقه برای تمام قدرت است. قطعا اوضاع پیچیده و کشدار است و در این اوضاع داشتن یک تلقی "جدولی" و یا یک بعدی از سیاست برای کمونیستها کشنده است. اما کارگران ناچارند برای هر درجه بهبود موقعیت شان در کارخانه و در جامعه به سیاست کنترل کارگری و سنتهای عمل مستقیم و رادیکال کارگری رو بیاورند. جنبش کمونیستی طبقه کارگر این را تضمین خواهد کرد.

**یک دنیای بهتر:** مساله خارج کردن کنترل محلات از دست رژیم بمثابه یک قلمرو فعالیت ارگانها و شوراهای محل زیست مطرح شده است. چگونه؟ چطور؟

**سیاوش دانشور:** هسته اساسی این بحث جنگ قدرت است.

تهران و شهرستانها همین دوره نشان دادند که چگونه میتوان بر کنترل رژیم فائق آمد. بحث برسر اینست که این روند وارد یکدوره آگاهانه و سازمانیافته تر و مستمر تر شود. اینکه چه کارهایی باید کرد را نیازها میدانند. اما روشن است هر درجه کنترل از پائین به معنی نفی کنترل بالا است و معنی بلافصل آن لغو قوانین موجود و تغییر تناسب قوا است. شرایط به شما میگوید چی ممکن است و چی ممکن نیست. اراده انقلابی و سیاست انقلابی باید شرایط را درک کند و به همان میزان قدرتش را اعمال کند.

**نسرین رضاعلی:** ببینید من فکر می کنم ما باید جوانب مسئله را بررسی کنیم چطور و چگونه می شود محلات را مردم به کنترل خود درآورند. در واقع باید گفت هر روز و هر دوره از مبارزات مردم در ایران شرایط جدید و وظایف تازه ای را پیش پای مردم می گذارد و حزب ما باید ابزارها و پاسخ درخور اوضاع را بدهد. گره هاگها را بشناسد و راه پیش روی را هموار کند. کنترل محلات مسئله ای نیست که غیره ممکن باشد. با یک بحث هم نمی شود گفت فردا تمامی محلات به کنترل مردم و جوانان در آمده است. در همین مدت کوتاه نسلی که امروز به خیابان آمده اند تجاربی را کسب کردند. بخشا از تجارب پدر و مادران خود که نسل انقلاب 57 هستند استفاده می کنند. اما کافی نیست. پیش از هر چیزی باید ملزوماتی را آماده کرد. در واقع این کار همان مردم همان زنان و جوانان است که روزهای زیادی را در اعتراضات علیه رژیم در خیابانها بودند و هستند. ملزومات اعتماد به همدیگر است ملزومات درک بیش از پیش از اتحاد و همبستگی برای رسیدن به خواستهاست. ملزومات شناخت از اوضاع و تعیین وظایف بر اساس موقعیت اجتماعی و حاضر است. امروز می شود گفت مبارزات وازد فازی شده است که رژیم از کشیدنش به محلات هراس داشته است. شبها

بر پشت بامها شعار می دهند. دیوارها را با شعارهای رادیکال پر کردند. عکس مزدوارن را بر دیوارها می چسبانند. از پرستار و دکتر محل می خواهند آنها را کمک کنند که زخمیها به دست رژیم نیفتند. از آنها میخواهند مقداری آموزش بدهند. در این زمینه روزها در محل کار همه دارند از شب گذشته چکار کردند صحبت می کنند و تجارب از این طریق انتقال داده می شود. متأسفانه حزب ما تاکنون امکان این را نداشته بخاطر حجم زیاد کار که همه اینها را یکجا جمع کند. اما شاهد تجارب خوب و گرانبهائی در این دوره بودیم.

شبها دکتر تنها مردها نیستند بلکه زنان نقش برجسته ای دارند. بقول یکی از دوستان می گفت باور نکردنی است دل و جراتی که زنان دارند قابل تحسین است. از یک طرف باتوم می خورند از طرف دیگر باز شعار می دهند و می دوند و مردم را به حمایت فرا میخوانند. بنظرم در محلات نه تنها مجامع عمومی و شوراها ایجاد می شود بلکه کمیته های رهبری و سازماندهی در حال شکلگیری است. کمیته های اعتصاب و کمیته های هماهنگ کننده برای اعتراضات جاری نیز تشکیل خواهد شد. سنگرها سر هر کوچه درست می شود و مادران خود را سپر می کنند که جوانان صدمه نبینند و جوانان سپری خواهند بود که محلات از تعرض شبانه روزی مزدوارن در امان باشد. تردیدی ندارم هم کنون مشغله بخش زیادی از مردم چگونه سازمان دادن اعتراضات و ایجاد شرایط برای مقابله است. شکی ندارم با گذشت 3 هفته کارگران و رهبران رادیکال سوسیالیست برای شرایطی که اوضاع را بدست بگیرند خود را آماده می کنند که در راس این اعتراضات برای سرنگونی رژیم اسلامی سازماندهی کنند. برای برپائی انقلابی کارگری، برای گرفتن قدرت این بار با دستان توانای خود، بیش از پیش خود را آماده میکنند.\*

در محلات باید بسرعت شوراها و انواع ارگانهائی را برپا کرد که مضمونا اراده توده مردم و قدرت شان را در مقابل قدرت رژیم قرار میدهد. اگر محله را از حکومت بگیرد خیابان را هم بسرعت میگیرد. اگر در محلات شوراها متشکل از کارگران و مردم آزادیخواه و انقلابی شکل بگیرند، مبارزه انقلابی وارد دوران کیفی و جدیدی میشود. چگونگی آن بسیار ساده است. جوانان و زنان در





## اطلاعیه مشترک سازمان آزادی زن و مرکز پیگرد سران رژیم اسلامی



مردم آزادیخواه، فعالین سیاسی اپوزیسیون سرنگونی طلب!

در شرایطی که فضای بین المللی در ابعاد قابل توجهی متاثر از خیزش توده ای مردم ایران علیه رژیم اسلامی است، ما وظیفه داریم تا برای جلب حمایت و همبستگی هر چه بیشتر بین المللی از مبارزات مردم در ایران بکوشیم. این وظیفه تک تک ما است که در کنار افشای جنایات اخیر رژیم اسلامی، کارنامه 30 سال سرکوب، اعدام، سنگسار و تحمیل آپارتاید جنسی بر زندگی مردم ایران را جلوی چشم شهروندان سوئد قرار دهیم.

موقعیت کنونی رژیم اسلامی تشابه بسیاری به دوران پایانی رژیم آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی دارد. از اینرو ما ایرانیان خارج کشور باید از شرایط مناسب امروز استفاده کنیم و برای ایزوله شدن جمهوری اسلامی در سطح بین المللی تلاش کنیم.

مردم ایران برای دستیابی به آزادی، برابری و رفاه مبارزه میکنند. در این راستا ما باید تلاش کنیم تا حمایت بین المللی از سه خواست زیر جلب کنیم.

1- رد اعتبارنامه رژیم اسلامی بعنوان دولت ایران و اخراج مقاماتش از همه نهادهای بین المللی؛

2- مسدود کردن حسابهای سران رژیم اسلامی در بانکها و نهادهای بین المللی؛

3- محاکمه سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه مردم ایران؛

**شما می توانید با مراجعه به میز اطلاعاتی ما واقع در برونز پارک به پیشبرد این مهم سرعت بیشتری ببخشید.**

**زمان: هر دوشنبه و چهارشنبه از تاریخ 6 یولی تا 2 اگوست از ساعت 16 تا 18**

آدرس تومار اعتراضی مشترک سازمان آزادی زن و مرکز پیگرد سران رژیم اسلامی

<http://www.petitiononline.com/mk072009/petition.html>

زنده باد آزادی زن

زنده باد آزادی، برابری، رفاه

سازمان آزادی زن

[www.azadizan.net](http://www.azadizan.net)

مرکز پیگرد سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه مردم ایران

[www.wantedbypeople.com](http://www.wantedbypeople.com)

Tel: 0046 0737 262622

## ارگانهای اعمال اراده توده ای را همه جا برپا کنید!

## زنده باد شوراهای

مصوب دفتر سیاسی حزب

۱- بار دیگر جامعه ایران در آستانه تحولات عظیم و تاریخساز قرار گرفته است. مردم آزادیخواه حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند و هم اکنون دست بکار بزرگ کشتیدن آن هستند. پیشروی مبارزات توده های بپاخوایسته مردم و تحقق سرنگونی رژیم اسلامی بشکلی سازمانیافته و در سریعترین و کم مشقت ترین شکل در گرو ساختن ارگانهای مبارزاتی و اعمال اراده توده ای مردم، شوراهای، در سراسر جامعه است.

۲- یک هدف شوراهای گرفتن بخش هر چه وسیعتری از قدرت توسط توده کارگران و مردم است. این ارگانهای ابزار متحد شدن، سازماندهی مبارزه انقلابی و آزادیخواهانه، اعمال قدرت کارگران و مردم زحمتکش و نفی قدرت سرمایه و جمهوری اسلامی است. شوراهای همچنین از ارگانهای قیام علیه جمهوری اسلامی اند. باید همه جا، در محیط زیست و کار در سطح محلی و سراسری شوراهای را سازمان داد.

۳- شورا کارترین، مناسبترین و ساده ترین ظرف اتحاد و اعمال اراده توده ای است. شورا ضامن اعمال اراده مستقیم و مستمر توده های مردم است و باید جایگزین قدرت ارتجاع اسلامی شود.

۴- طبقه کارگر باید بسرعت شوراهای خود را ایجاد کند. شوراهای امر اتحاد صفوف کارگران، تامین استقلال طبقاتی و اتخاذ سیاست کنترل کارگری را تسهیل میکند. شوراهای امکان حضور طبقه کارگر بعنوان رهبر شایسته جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم را فراهم میآورد. کارگران سوسیالیست باید پیشرو ایجاد شوراهای در محیط زیست و کار باشند.

۵- شوراهای محلات در شرایط امروز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تجربه عملی همین دوره نشان میدهد که محلات و تجمعات مبارزاتی در آن، پایه سازماندهی حرکات اعتراضی وسیع و بویژه تظاهرات شبانه است. باید کنترل محلات را از دست جمهوری اسلامی و نیروی سرکوبگر آن خارج کرد.

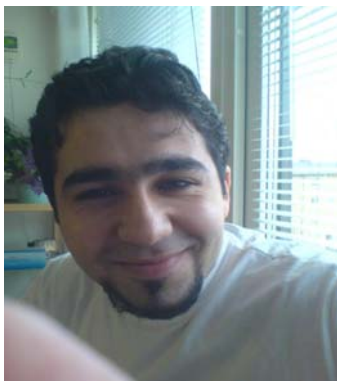
۶- حزب اتحاد کمونیسم کارگری، کارگران و مردم زحمتکش را به برپائی شوراهای فرامیخواند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۳ ژوئن ۲۰۰۹

## به کیهان شریعتمداری حکومت منحوس تان رفتنی است

علی ظاهری



است؟ قیمت سی سال سرکوب و دیکتاتوری است؟ بهای خون صدها هزار انسان شریف است؟ این مجسمه های حماقت دنیا را احق فرض کرده اند! دریایی از نارضایتی را میخوانند با پخش سیب زمینی مجانی جواب بدهند؟

نه دخالت گسترده سپاه پاسداران و عاملهای سرکوب، نه اخراج های دسته جمعی، نه شکنجه و ضرب و شتم و آدم کشی عنان گسیخته قادر به کسب اپسیلون آرامشی برای رژیم ضد بشری اسلامی تا همین لحظه نشده است! صحنه دختران و زنانی که با دست خالی جلوی ماموران تا دندان مسلح رژیم سینه سپر می کنند به راستی تودهنی مناسبی برای ژست شکنجه گران جلادی امثال شریعتمداری است. اما هم شریعتمداری و هم تمام سران سرکوب بدانند که روز محاکمه خودشان از هر کسی نزدیک تر است. پرونده تان را سنگین و سنگین تر کنید. راستش مدل حقیر آیشن اسلامی هم نخواهید شد. اطاعت از دستور و من کاره ای نبودم و این خزعبلات نجاتتان خواهد داد! تا همین امروز هم که سر

اینچنینی دچار شوند. شما که اصلا قابل مقایسه نیستید!

اما رژیم نیمه جان اسلامی را نباید امان داد. تا همین الان ضربه های کاری بر پیکرش وارد آمده و باید کار را یک سره کرد. وظیفه تاریخی تک تک مردم و کارگران و معلمان و پرستاران و آحاد اجتماع فلج کردن سیستم اداری و نظامی این رژیم منحوس اسلامی سرمایه داران است. زنان تا همین الان گامهای بزرگی در مبارزه بر علیه رژیم اسلامی برداشته اند. جنبش های اعتراضی ایران از این پتانسیل برخوردارند که رژیم را به گورستان بفرستند! باید شوراها را در محلات تشکیل داد. تامین امنیت مبارزه در جلوی جانوران اسلامی را جوانان و مردم مبارز باید تامین کنند. همانطور که در خیابان ولی عصر فرصت تکان خوردن به رژیم ندادید در کل ایران شرایط این چنینی بسازید! دستگاه سرکوب رژیم در مقابل اتحاد مردم هیچ است! دستگاه سرکوب 6 ساعته به قول خود رژیم از کار افتادنی است.

در آخر به شریعتمداری جلا داد باید بگویم همین امروز هم ما بیکار ننشسته ایم. در اقصی نقاط دنیا کمیته های حقیقت یابی و پیگرد سران رژیم تشکیل شده است. ارتباط و مماسات با رژیم اسلامی از سوی غرب به سادگی امکان پذیر نیست. شما در دنیا رسوا شده اید. به مدد اینترنت و ماهواره جنایت تان به طرفه العینی روی مانیتور خبرگزاری های دنیا قرار میگیرد و تازه کار را به اینجا ختم نخواهیم کرد. این مبارزه را تا دادگاهی تان ادامه خواهیم داد! \*



قدرت بوده اید مردم اجازه نداده اند یک روز آب خوش از گلوی شما پایین برود! انقلاب در شرف تکوین شما و سران رژیم کثیفتان را راهی زباله دان تاریخ خواهد کرد! سران رژیم سلطنتی و ساواک و زندان اوین در زمان شاه خوابش را نمی دیدند که به فرصت کوتاهی به سرنوشت

رفسنجانی انتخابات را منتفی دانست هر چند که رد و قبول انتخابات اسم رمز امتیازگیری و دعوا بر سر قدرت و ثروت میان باندهای مافیائی است. اما اینها شکافهای عمیق تر رژیم مرتجعان ادمکش اسلامی را نشان می دهد. همین امروز له له می زنند که جنگی از آسمان نازل شود و بتوانند چند صباحی دیگر عمر کنند. حتی برادران حکومتی خود را که سالها در خدمت دستگاه سرکوب و شکنجه رژیم شمشیر زده اند تهدید به اعدام و دستگیری می کنند. اما نه جنگ و نه اعدام و نه ارباب و سرکوب قادر به سرپا نگه داشتن جرثومه جنایت و سرکوب و بی حقوقی رژیم اسلامی نخواهد شد.

به راستی واماندگی کلمه گویایی برای رژیم در گوشه افتاده اسلامی در ایران است. حالت سران رژیم و پادوهای مثل شریعتمداری مانند

روز 13 تیرماه کیهان شریعتمداری که عصاره جنایات سی ساله رژیم اسلامی در یک کلام است و در این اواخر صفحات لجن نامه اش چیزی جز تهدید و ارباب مردم و مارک بیگانه و ستون پنجم زدن و دادن صفت ارازل و اوباش نیست (چیزی که برازنده خودشان است) بار دیگر مردم را به اعدام و محاکمه برای ایجاد آشوب و بلوا تهدید کرد. از اینکه این جانیان که دستشان به خون دهها هزار انسان بیگناه آلوده است از هیچ جنایتی فروگذار نیست شکی نیست. در اینکه باید توجه تمام نهادهای بین المللی و مردم متمدن دنیا را به جنایاتی که در سایه شوم اسلامیون در ایران رخ می دهد و روی تمام جنایتکاران تاریخ را سفید کرده است جلب کرد ذره ای نباید تردید داشت. اما باید به این سگ هار آدمکش فهماند که رژیم منحوسان

حیوان وحشی زخمی شده است که در آخر عمرش به در و دیوار چنگ می زند. رفته اند میان مردم سهام عدالت به مبلغ هشتاد هزار تومان پخش کرده اند. گویا با هشتاد هزار تومان و مبلغهای ناچیز می توانند مردم معترض را راضی نگه دارند! کسی نیست بگوید این هشتاد هزار تومان قیمت حرمت پایمال شده انسانی 60 میلیون نفر

روزهای آخرش را طی می کند.

چیزی از تبلیغات شنیع شان در رابطه با سرکوب شورش ها و شوهای تلویزیونی شان نگذشته بود که جناح دیگر ارتجاع آب سردی روی سرشان ریخت. حزب کارگزاران متعلق به



Basij Militia brutally are beating protesters to death ..  
★★★★★



Tehran - yek javoone tir khorde dar yadegare emar  
★★★★★



# تظاهراتهای ۱۸ تیر در خارج کشور



**مردم آزادیخواه!**

رژیم جمهوری اسلامی در سرآشویی سقوط است. مردم حکم به سرنگونی آن داده اند و اکنون در ابعاد میلیونی دست به کار بزرگ کشیدن آن هستند. جامعه دارد رژیم اسلامی را دفع میکند. رویدادهای کنونی لحظات و دقایقی در سیر سرنگونی این رژیم است. بوی الرحمن رژیم بلند شده است. همه در داخل و خارج چهره خشمگین زنان و مردان و جوانانی را دیده اند که عزم کرده اند تا کار رژیم اسلامی را، حال با هر اسلامی، تمام کنند. ایران دیگر برای رژیم اسلامی، برای هیچ جناح آن، قابل حکومت کردن نیست. رفتنی اند. همه شان رفتنی اند.

**آمریکا، لس آنجلس؛**

**مکان : وست وود فدرال بیلدینگ**

**زمان: ساعت ۷ بعد از ظهر، ۹ جولای**

**سوئد، استکهلم؛**

**میدان مرکزی شهر – سرگلس توری**

**زمان: پنجشنبه ۹ جولای، ساعت ۵ بعد از ظهر**

**سوئد گوتنبرگ؛**

**چهارشنبه ۸ جولای، از ساعت 18 در میدان گوستاو آدولف**

**حزب اتحاد کمونیسم کارگری**

**سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**